

A Comparative Study of Contract Lapse in French and Iranian Law

Saeed Bigdeli *

Associate Professor of Department of Private Law, Zanjan University, Zanjan, Iran

Akbar Osanloo 

Ph.D. Student in Private Law, University of Strasbourg, French

Abstract

One of the shortcomings of Napoleon's code was the lack of "lapse" of considerable contracts, which was recognized by French doctrine and jurisprudence. Therefore, they tried to propose a codification in various civil law revision projects. Thus, in Decree No. 131-2016, February 10, 2016, the Law of Obligations and Contracts, a new institution called "caducité (lapse)" was envisaged in Articles 1186 and 1187 of the French Civil Code. This institution describes the status of a contract that has been entered into quite validly, but then loses one of its essential elements due to a subsequent event. The result of this situation, is the termination of the parties' obligations. Our Civil Law does not define such an institution, but examples of cancellation can be deduced from some provisions of Civil Law and other laws. In general, the reasons for cancellation of the contract can include the deterioration of the subject of the contract, the loss of its cause, death or incompetence in the obligations of the person and the failure to obtain the suspension within the prescribed period provided in the suspended condition that any occurrence of the recent assumptions may lead to the termination of the contract. Lapse occurs involuntarily and its effect is not retroactive. Thus, in the opinion of the authors, the provisions of our Civil Law are incomplete in this respect, and the establishment of such an institution can be useful.

Keywords: essential elements of the contract, lapse, subject lapse, cause lapse, vertical commitment to the person.


* Corresponding Author: bigdeli@znu.ac.ir

How to Cite: Bigdeli, S., Osanloo, A. (2022). A Comparative Study of Contract Lapse in French and Iranian Law. *Private Law Research*, 10(38), 9-44. doi: 10.22054/JPLR.2022.59754.2548

مطالعه تطبیقی انتفای قرارداد در حقوق فرانسه و ایران

سعید بیگدلی *

دانشیار حقوق دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

اکبر اصائلو 

دانشجوی دوره دکترای حقوق خصوصی دانشگاه استراسبورگ

چکیده

یکی از نواقص کد ناپلئون، فقدان «انتفای» عقود معوض بوده است که دکترین و رویه قضایی فرانسه پی به آن برده بودند. به همین خاطر، تلاش نمودند که در پروژه‌های مختلف بازنگری قانون مدنی، تدوین آن را پیشنهاد دهند. بدین ترتیب، در مصوبه شماره ۱۳۱-۲۰۱۶، ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ حقوق تعهدات و قراردادها، نهاد جدیدی بنام انتفا (caducité) در مواد ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷ قانون مدنی فرانسه پیش‌بینی شد. این نهاد وضعیت عقدی را تشریح می‌کند که به صورت کاملاً معتبر منعقد شده است، اما در ادامه، بر اثر رویدادی لاحق یکی از عناصر اساسی خویش را از دست می‌دهد. نتیجه این وضعیت، سقوط تعهدات طرفین قرارداد است. قانون مدنی ایران چنین نهادی را تعریف نکرده است، ولی مصادیقی از انتفا را می‌توان شامل زوال موضوع عقد، از بین رفتن سبب آن، مرگ یا فقدان صلاحیت در تعهدات قائم به شخص و عدم حصول معلق علیه در ملهت مقرر پیش‌بینی شده در شرط تعلیقی دانست که حدوث هر یک از فروض اخیر ممکن است به انتفای عقد بینجامد. انتفا به صورت غیرارادی رخ می‌دهد و اثر آن عطف به ماسبق نمی‌شود. بدین ترتیب به نظر نگارندگان، مقررات قانون مدنی ایران از این حیث ناقص است و تثبیت چنین نهادی می‌تواند مفید واقع گردد.

کلیدواژه‌ها: عناصر اساسی عقد، انتفا، انتفا موضوع، انتفا سبب، تعهد قائم به شخص.

مقدمه

بیش از دو قرن از عمر کد ناپلئون گذشته بود و برخی از مواد قانون مدنی مربوط به حقوق تعهدات کهنه شده و نیاز به قوانین جدیدی احساس می‌شد، چنین وضعیتی برای کشور فرانسه که سنت دیرینه‌ای در قانون‌گذاری نوشته داشت، امری مطلوبی نبود. به همین خاطر ایجاب می‌کرد که اصلاحاتی در آن صورت گیرد. به موجب مصوبه قانونی^۱ ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ اصلاحاتی در حقوق تعهدات و قراردادهای قانون مدنی فرانسه صورت گرفت، سپس مصوبه اخیر به‌عنوان قانون شماره ۲۷۸-۲۰۱۸، ۲۰ آوریل ۲۰۱۸ تصویب شد. این بازنگری، مهم‌ترین اصلاحی بود که قانون مدنی این کشور از سال ۱۸۰۴ به خود دیده بود که هدف از آن نوسازی و تقویت کارآمدی برخی از نهادهای حقوقی بود. یکی از نوآوری‌های این بازنگری، تثبیت «انتفا» در عقود معوض بود که در مواد ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷ نهادینه شد. بند اول ماده ۱۱۸۶ در تعریف انتفا بیان می‌دارد «عقدی که به‌صورت معتبر منعقد شده، اگر یکی از عناصر اساسی آن از بین رود، منتفی می‌شود...»^۲ در ادامه، بند ۲ ماده یادشده، انتفای عقود مرتبط را پیش‌بینی کرده است.^۳ این ماده از ترکیب عجیبی تشکیل یافته است: در حالی که بند ۱، با کلیتی غیرمنتظره، یکی از رمزآلودترین مقررات بازنگری است، بند ۲ به یک مورد خاص می‌پردازد که به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین پدیده‌های مدرن حقوق قراردادها شناخته می‌شود.^۴ بند اول ماده ۱۱۸۷ نیز اثر انتفا را بیان می‌دارد: «انتفا به عقد پایان می‌دهد».

منشأ انتفا در حقوق روم است؛ به منظور احیای جمعیت رومیان و احیای خزانه امپراطوری که در پی وقوع جنگ‌های بی‌وقفه در معرض خطر ورشکستگی قرار گرفته بودند، در زمان قانون‌گذاری اگوست مسئله انتفا مطرح شد: بدین ترتیب، قوانین انتفایی

1. Ordonnance

2. Un contrat valablement formé devient caduc si l'un de ses éléments essentiels disparaît (...).

۳. «هنگامی که انجام چند عقد، برای تحقق عملیات واحد ضروری باشد و یکی از عقود از بین برود، عقدی که اجرای آن به‌خاطر این زوال غیرممکن شده است و نیز عقود دیگر که اجرای عقد زوال‌یافته، شرط تعیین‌کننده رضایت طرف دیگر به عقد بوده است، منتفی می‌گردند. با وجود این، انتفا فقط در صورتی محقق می‌شود که متعاقداً که علیه او به انتفا استناد شده است، زمانی که رضایت خویش را به عقد اعلام نموده، از وجود مجموع عملیات آگاه بوده باشد».

4. Olivier, Deshayes; Genicon Thomas et Laithier Yves- Marie, Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations, Dalloz, 2018. P.392.

مقرر می‌داشتند که ارث به جامانده از اموال بلاصاحب، افراد مجرد یا اشخاص مزدوج بدون نسب، به یک نسب دیگر یا امور مالیاتی اختصاص داده می‌شود. به امید اینکه از این طریق با تجردگرایی مبارزه و شهروندان رومی را به احیای زاد و ولد ترغیب نمایند.^۱ نخست انتفا در کد ناپلئون در حقوق تبرعی^۲ مطرح و در همین زمینه مورد توجه دکتربین^۳ بود. رفته‌رفته به علت گسترش معاملات و تغییر سبک و نوع آنها این ضرورت احساس شد که کاربست چنین نهادی در عقود معوض^۴ نیز ضروری است.

تدوین با تمام قوای انتفا قراردادی در کارزار حقوقی فرانسه، از یک طرف، حاصل ممارست حقوق دانانی است که تعریف و کاربست آن را مورد تجزیه و تحلیل و انتقاد قرار دادند؛ چراکه پس از یک دوره طولانی رکود،^۵ مفهوم انتفا دوباره در دکتربین،^۶ به‌ویژه در حوزه قراردادهای^۷ اهمیت فراوانی یافته است^۸ و از طرف دیگر، در سه دهه اخیر در رویه قضایی، انتفا در امور قراردادهای، تحولات گسترده‌ای به خود دیده بود که می‌بایست آثار مثبت آن در قانون مدنی نهادینه می‌شد. بدین منظور، برای رفع نواقص قانون مدنی، پروژه‌های مختلفی تدوین شد که هدف آنها شناسایی نارسائی‌ها و تبیین و پیشنهاد موادی برای رفع آنها بود. از مهم‌ترین طرح‌های بازنگری که در بطن خویش انتفای قرارداد را

1. Seube Jean-Baptiste, Art.1186 et 1187 : Contrat. Caducité du contrat, 20 février 2017, n° 2. Cité, Girard, 1987, p.927 ; Ourliac de de Malafosse, 1968, p.350s.

2. Droit des libéralités

این حقوق مربوط به عقود غیرمعوض که شامل: ارث و میراث و هبه و وصیت می‌باشد که در موارد ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۸۸ و ۱۰۸۹ بیان شده است.

7. Planiol, Marcel, *Traité élémentaire de droit civil*, Tom. III, 7e éd, 1918, L.G.D.J., p. 32, 720, 833,848.

4. Contrats à titre onéreux

5. Buffelan-Lanore Y., *Essai sur la notion de caducité des actes juridiques en droit civil*, 1963.

6. Pelletier C, *La caducité des actes juridiques en droit privé français*, 2004 ; Chaaban R, *La caducité des actes juridiques*, 2010.

7. Foriers P-A, *La caducité des obligations contractuelles par disparition d'un élément essentiel à leur formation*, Bruylant Bruxelles, 1998 ; Carron F, *La caducité du contrat (étude de droit privé)*, PUA M, 2000 ; Wester-Ouisse V, *La caducité en matière contractuelle : une notion à réinventer*, JCP n°4 2001, p 290 ; Aubry M-C, *Retour sur la caducité en matière contractuelle*, RTD civ. 2012, p 625.

8. Ghestin Jacques, Loiseau Grégoire, Serinet Yves- Marie, *La formation du contrat*, T.II., 4e éd., 2013, L.G.D.J., n°2066.

پیش‌بینی نموده بودند می‌توان به «طرح پی‌یر کاتالا»^۱ و «فرانسوا ترره»^۲ اشاره نمود. در طرح نخست، بازنگری در ماده ۱۱۳۱ انتفا را چنین تعریف می‌کند: «عقدی که به صورت معتبر منعقد شده، در صورت از بین رفتن یکی از عناصر تشکیل‌دهنده آن یا فقدان عنصر خارجی که نفوذ عقد منوط به آن شده باشد، منتفی می‌شود (...).»^۳ و طرح اصلاحی ترره هم در ماده ۸۶ در تعریف انتفا مقرر می‌دارد: «عقدی که به صورت معتبر منعقد شده، در صورت زوال یکی از عناصر تشکیل‌دهنده آن، منتفی می‌شود و به همین ترتیب، در صورت فقدان عنصر خارجی که نفوذ عقد منوط به آن شده باشد». پروژه اخیر، بیشتر تحت تأثیر قانون قراردادهای اروپا بوده و تلاش می‌نمود که مقررات خویش را با قانون مذکور منطبق نماید، ولی طرح کاتالا در پی این بود که تا حد امکان سنت پیشین را حفظ نماید و در عین حال تحولات جدید را نیز لحاظ کند.

انتفا در قانون مدنی ما تعریف نشده و در مواد مربوط به حقوق تعهدات و قراردادها جایگاهی برای آن اختصاص نیافته است، ولی مصادیقی از آن را می‌توان از قانون مدنی و سایر قوانین استنباط نمود. در حقوق ایران نیز انتفا عمدتاً در اعمال حقوقی تبرعی، به‌ویژه در هبه و وصیت محل استعمال بوده است. به‌عنوان نمونه، فوت وصی قبل از موصی، یکی از ارکان اساسی وصیت و علت عمده آن تلقی گردیده که با فوت او عمل حقوقی رایگان پایان می‌پذیرد.^۴ با این همه در این مورد نیز قاعده‌ای عمومی در قانون مدنی ما وجود ندارد. بنابراین مصادیق عمده انتفای یک قرارداد در قانون جدید فرانسه که زوایای مختلف آن، به لطف تلاش مستمر رویه قضایی فرانسه، در حال شفافیت روزافزون است و در مباحث آتی، مورد بحث قرار خواهد گرفت (به‌ویژه در ورای قراردادهای تبرعی)، اصولاً در نظام حقوقی ما مغفول مانده و تحت قاعده و انضباط حقوقی در نیامده است.

1 . *Projet Catala : Avant-projet de réforme du droit des obligations et de la prescription*, 2005, La Documentation française.

برای مطالعه بیشتر درباره طرح اصلاحی پی‌یر کاتالا رجوع شود (شعاریان و ترابی، حقوق تعهدات، مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ دوم (تهران: انتشارات شهردانش: ۱۳۹۵).

2. *Projet Terré : pour une réforme du droit des contrats*, 1er éd. 2009, Dalloz, *Thèmes et commentaires*.

۳ در طرح اخیر، علاوه بر انتفا سه ضمانت‌اجرای بطلان؛ استنادناپذیری (*l'inopposabilité*) و یکنواخت‌سازی (*régularisation*) هم پیش‌بینی شده بود.

۴ کاتوزیان، ناصر، وصیت در حقوق مدنی ایران، چاپ اول، ص ۵۰۴.

به علاوه قسم مهمی از انتفای قرارداد که پس از دهه‌های طولانی ممارست و نهادینه شدن آن در رویه قضایی، تحت همین عنوان وارد نظام تقنینی فرانسه شده، انتفای قراردادهای مرتبط در نتیجه از بین رفتن یکی از قراردادهایی است که مجموع آنها برای تحقق هدف مشترک ضروری بوده است؛ قانون‌گذار در این مقررۀ مهم، به شفافیت، عناصر عینی و ذهنی لازم برای انتفای قرارداد مرتبط را روشن کرده است. این در حالی است که در حقوق ایران، علاوه بر سکوت قوانین مرتبط، دادگاه‌ها نیز در این زمینه رویه واحد یا حتی مشابهی ندارند و بالاتر از آن، فقها و حقوق‌دانان، راجع به راه‌حل آن، نسخه‌های مختلف و متفاوت پیچیده‌اند؛ برای اشاره به وسعت این سردرگمی، کافی است به این نکته اشاره کنیم که در حقوق ایران، نه تنها انتفا یا به تعبیر داخلی آن، انفساخ یک قرارداد به دلیل از بین رفتن قرارداد مستقل دیگر، علی‌رغم وابستگی معنوی آنها از جهت ضرورت وجودشان برای تحقق یک هدف مشترک، به دلیل اصل نسبی بودن اثر قراردادهای عمدتاً مورد مخالفت قرار گرفته است، بلکه حتی وضعیت معاملات واقع نسبت به یک موضوع که یکی از آنها به دلیل فسخ یا انفساخ یا اقاله از بین رفته نیز مورد اختلاف است.^۱

همان‌طور که اشاره شد در حوزه حقوق مدنی فرانسه، قلمروی انتفا، محدود به یک عقد مستقل نیست و شامل انتفای قراردادهای مرتبط نیز هست، اما از آنجا که بررسی هم‌زمان هر دو مورد، نیازمند طول و تفصیلی است که در قالب یک مقاله نمی‌گنجد، همچنین برای انسجام موضوع، در این پژوهش صرفاً انتفای عقود مستقل که در بند اول ماده ۱۱۸۶ مورد پیش‌بینی قرار گرفته مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت؛ بنابراین چالش اصلی در این تحقیق، تبیین دقیق مبانی انتفا و قلمرو و آثار حقوقی آن در عقود مستقل، با بررسی قابلیت پذیرش آن در حقوق ایران است؛ لذا در ادامه پس از بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی انتفا و اوصاف و شرایط آن، عمده‌ترین مصادیق این نهاد و آثار تحقق آن در حقوق فرانسه بررسی شده و آشکار خواهد شد که چگونه جای این نهاد برای پُر کردن تبیین خلأهای نظری و نیازهای عملی برخی حوزه‌ها راهگشا است.

۱. تقی‌پور، بهرام؛ عباسی سرمدی، مهدی؛ کریمی پناوندانی، مهدی، «وضعیت معاملات مستقل و مرتبط از زمان انعقاد عقد تا انحلال در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین»، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹۰ (۱۳۹۹)، ص ۲۰ به بعد.

۱. مفهوم انتفا

۱-۱. مفهوم لغوی

واژه انتفا مشتق از صفت لاتین «کدوکوس»^۱ و از فعل «کدر»^۲ است^۳ که دلالت بر افتادن و مبتلا شدن دارد. از نظر لغوی، انتفا در معانی مختلفی آمده است: برگ‌های پوسیده که در زمستان می‌افتند؛ کهنه شده؛ پیری که از سن ۷۰ سالگی شروع می‌شود؛^۴ آنچه که دیروز خوب بود و امروز قدیمی شده؛ چیزی که دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛^۵ آن چیزی که هر ساله می‌افتد (برگ‌های قدیمی درخت بلوط)^۶، همچنین به پاییز و مرگ تدریجی عمل حقوقی تعبیر شده است.^۷ در فرهنگ بزرگ سخن به معانی نابود کردن آمده است؛^۸ برخی به معنی پیری، شکستگی، افتادگی آورده‌اند^۹ و بعض دیگر، آن را به بطلان و کهولت ترجمه نموده‌اند.^{۱۰}

۲-۱. مفهوم حقوقی انتفا

در دو قرن اخیر، تعریف انتفا، تحولات چشمگیری به خود دیده است. تعاریف ابتدایی بسیار ساده و در عین حال ناقص بودند. چنانکه کاپیتان هانری بیان می‌دارد: «انتفا، وضعیت عمل حقوقی است که رویداد لاحق آن را بی‌اثر می‌کند»^{۱۱}. در سال ۱۹۶۳ تعریفی مناسب توسط خانم بوفلان-لانور، که حاصل اولین رساله پیرامون انتفای عمل حقوقی در فرانسه است، ارائه شد. بر این اساس انتفا «عملی حقوقی است که کاملاً به صورت معتبر منعقد شده، قبل از اینکه بتواند آثار حقوقی خویش را ایجاد کند، به دلیل از بین رفتن یکی از

1. Caducus

2. Cadere

3. Cornu Gérard, Vocabulaire juridique, 13e éd, 2020, P.U.F.

4. Le Robert Maxi Plus, édition, 2018.

5. Le petit Robert, édition, 2021.

6. Le petit Larousse, édition, 2021.

7. Aubry Marie –Christine, «Retour sur la caducité en matière contractuelle», Revue trimestrielle de droit civil, (2012). p. 625.

۸. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، ص ۵۹۱.

۹. نفیسی، سعید، فرهنگ فرانسه-فارسی، جلد ۱، چاپ ۹، ص ۲۳۷.

۱۰. کاتبی، حسینقلی، فرهنگ حقوق، چاپ ۱، ص ۵۴.

11. Capitant Henri (1930), Vocabulaire juridique, fascicule I, Presse universitaire. Disponible sur :<https://www.bnf/fr.v°> caducité.

عناصر اساسی آن، در پی تحقق رویدادی لاحق و مستقل از ارادهٔ عامل، منتفی می‌شود، بی‌آنکه این اثر، عطف به ماسبق شود^۱. لازم به ذکر است این تعریف از زمان ارائهٔ آن مورد توجه دکترین واقع شده است و راز ماندگاری این تعریف را می‌توان در تعمیم آن به اعمال حقوقی که هنوز به مورد اجرا گذارده نشده‌اند و به اصطلاح در نطفه عقیم مانده بودند دانست. با این وجود، تعریف یادشده نیز از دیدگاه حقوق دانان، مصون از ایراد نمانده است؛ چراکه از یک طرف، ایشان بیان می‌دارد: «عمل حقوقی قبل از اینکه بتواند آثار حقوقی خویش را ایجاد کند منتفی می‌شود»^۲، در حالی که یکی از فروض انتفا، در عقود مستمر^۳ مانند عقد اجاره، ظاهر می‌شود که عمل حقوقی شروع و طبعاً آثار حقوقی آن ایجاد شده و در حال جریان است. ایراد دیگر اینکه، انتفا را «مستقل از اراده» طرفین یا یکی از آنها قلمداد می‌کند که دامنهٔ شمول آن را از اوضاع و احوالی که ناشی از رفتار تقصیری یا ارادی یکی از طرفین می‌گردد، خارج نموده است. به عنوان مثال: در وعدهٔ یک طرفه در صورتی که وعده در مهلت مقرر پیش‌بینی شده محقق نگردد یا عدم حصول معلق علیه در موعد مقرر در شرط تعلیقی که انتفا عقد را در پی دارد، انتفای عقد ناشی از رفتار یکی از طرفین بوده و کاملاً مستقل از اراده آنها نیست^۴. در پاسخ به این ایراد می‌توان گفت که طرفین در تحقق انتفا مرتکب تقصیری نشده‌اند و وقوع انتفا، در نتیجهٔ عدم حصول معلق علیه

1. Buffelan-Lanore Y, Essai sur la notion de caducité des actes juridiques en droit civil, 1963. p.161.

۲. برخی بیان نموده‌اند که انتفا مانند سواره بر اسب است که پا از دو طرف آویزان است (à cheval). در واقع، عقد بین تشکیل و اجرای آن معلق است (Dissaux Nicolas, Jamin Christophe, Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations, Commentaire des articles 1100 à 1386-1, Dalloz, 2016, p.87). این تعبیر حداقل می‌تواند در عقود مستمر مورد اشکال واقع شود؛ چراکه بلافاصله بعد از انعقاد عقد آثار حقوقی آنها ظاهر می‌شود.

3. Contrat à exécution successive.

4. Garron Frédéric, La caducité du contrat (étude de droit privé), thèse. Aix-Marseille III, 2000, P. 309.

نویسندهٔ اخیر در تعریف انتفا بیان می‌دارد: «وضعیت حقوقی عقدی است که به صورت معتبر منعقد شده که در پی از بین رفتن یکی از عناصر اساسی در بقای آن خاتمه می‌یابد. این زوال ممکن است ناشی از یک رویداد مستقل از رفتار یا ارادهٔ طرفین یا یکی از آنها باشد؛ همچنین می‌تواند ناشی از ابتکار عمل یا تقصیر عمدی یا غیرعمدی یکی از متعاقدين باشد». این تعریف حاصل اولین رساله در خصوص انتفا در امور قراردادهای می‌باشد.

در موعد مقرر، به صورت غیرارادی اتفاق می‌افتد؛ بنابراین این فرض انتفا منافی با ارادی بودن سبب آن ندارد.

از دیدگاه حقوق دانان فرانسوی، با توجه به اینکه انتفا می‌تواند قلمروی وسیعی را در اعمال حقوقی شامل شود، ارائه تعریفی جامع از آن دشوار است، اما آنچه به عنوان عنصر وحدت بخش تعاریف ارائه شده از انتفا می‌توان چنین استنباط کرد: انعقاد عقدی معتبر، از بین رفتن یک عنصر اساسی، در پی حدوث رویداد لاحق است، اما تردیدهایی در پذیرش غیرارادی بودن و عطف به ماسبق نشدن آن وجود دارد.

با توجه به اینکه در حقوق ایران عقد منتفی (به معنای فعلی آن در قانون مدنی فرانسه) به معنی عقدی که صحیحاً انعقاد یافته اما در ادامه، به دلیل منتفی شدن یکی از عناصر اساسی خود از بین رفته، مورد توجه نبوده، لذا تعریفی از آن نیز به عمل نیامده است، اما دکتر جعفری لنگرودی در بحثی راجع به انواع مواردی که ممکن است عقدی منتفی شود، انتفا را شامل: انتفای سبب تعهد، انتفای متعهد، انتفای متعهدله، انتفای موضوع تعهد و انتفای موضوع عقد دانسته است.^۱ هرچند این تقسیم‌بندی از انواع انتفا در حقوق ایران، می‌تواند کامل‌ترین از نوع خود باشد، اما نمی‌توان آن را منطبق بر مصادیق نهاد فعلی انتفا در حقوق فرانسه دانست. به عنوان نمونه، در عقود لازم، زنده بودن شخص متعاقد، جزء عناصر اساسی ادامه عقد نیست که ضرورتاً با انتفای او، عقد نیز منتفی گردد. به علاوه مصادیقی همچون عدم تحقق معلق علیه در عقد معلق در این مجموعه دیده نمی‌شود، ضمن آنکه مصداق‌های مطرح شده، بیشتر به اعمال حقوقی رایگان که در کد ناپلئون وجود داشت، شباهت داشته و نزدیک‌تر هستند، تا اعمال حقوقی معوض (ضمن آنکه این شائبه را مطرح می‌کند که ممکن است مقتبس از مقررات خارجی بوده باشد) که به تعریف نهادی جهت تعیین تکلیف عقود منتفی نیز نمی‌انجامد.

برخی از اساتید نیز در بحث از اسباب سقوط تعهد، به مباحث مرتبط با بحث فعلی، تحت عنوان «زوال تعهد»، به توضیح مواردی پرداخته‌اند که در صورت حدوث آنها، تعهد زائل و در نتیجه عقد منحل می‌گردد.^۲ هرچند موضوع ارائه شده نیز عملاً حاوی برخی از اقسام نهاد انتفا قرارداد است، اما اساتید یادشده نیز مباحث ارائه شده را نه به عنوان نظریه‌ای

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.

۲. کاتوزیان، ناصر، *نظریه عمومی تعهدات*، چاپ هشتم ص ۵۴۰.

عمومی برای انتفای قرارداد در نتیجه فقدان عناصر اساسی قرارداد، بلکه به عنوان بخشی از اسباب سقوط تعهد قراردادی مورد اشاره قرار داده‌اند که طبعاً به تعریف و تبیین نظریه‌ای همانند انتفای قرارداد نیانجامیده است.

۲. اوصاف انتفای قراردادی

۲-۱. انعقاد عقد به صورت معتبر

اولین خصیصه برای منتفی تلقی کردن یک عقد، انعقاد صحیح آن است. انتفا ناشی از ضمانت اجرای نقص در منشأ قرارداد نیست، بلکه با وجود صحت انعقاد قرارداد و بی آنکه نقصی در ارکان به وجود آورنده آن باشد، رویدادی لاحق که باعث اختلال در عناصر اساسی قرارداد می‌شود، باعث انتفای عقد می‌گردد؛ رویدادی که خارج از اراده طرفین است.^۱ بدین ترتیب، نظریه حاضر بر عدم تقصیر آمیز بودن انتفا تأکید می‌کند؛ بنابراین انتفا ایجاب می‌کند از ضمانت‌اجراهای مشابه از جمله بطلان متمایز گردد. بطلان، ضمانت اجرای عقدی است که از ابتدا شرایط اساسی برای صحت آن وجود نداشته است. مطابق بند ۲ ماده ۱۱۷۸ ق. م. ف. عقدی باطل فرض می‌گردد که هرگز به وجود نیامده است. در عوض، انتفا ضمانت اجرای عقدی است که در زمان انعقاد آن، همه شرایط اساسی صحت عقد را دارا بوده و هیچ‌گونه نقصی در ارکان اساسی آن وجود نداشته تا عقد را متزلزل نماید؛ لیکن یکی از عناصر اساسی آن بعد از انعقاد از بین می‌رود. نهاد دیگری که ضرورت دارد از انتفا متمایز گردد، فسخ^۲ است. فسخ در اغلب موارد ضمانت اجرای عقدی است که در آن متعهد در اجرای تعهد خویش مرتکب تقصیر شده باشد که زیان دیده در این صورت می‌تواند با اعمال آن قرارداد را از بین ببرد. بند ۱ ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی سابق فرانسه برای فسخ اثر عطف به ماسبق شدن در نظر گرفته بود، ولی ماده ۱۲۲۹ قانون جدید مقرر می‌دارد: «فسخ موجب خاتمه عقد می‌شود.» همان ضمانت‌اجرایی که بند اول ماده ۱۱۸۷ برای انتفا مقرر داشته است. بند ۳ ماده ۱۲۲۹ نیز در خصوص آثار فسخ قائل به

1. Seube Jean-Baptiste, « Caducité et ensemble contractuel indivisible : timidité jurisprudentielle ou audace doctrinal? », Le monde du droit, 2008, Foyer J, Economica,, p.931.

2. Résolution

برخی حقوق‌دانان ما این اصلاح را فسخ از آغاز نامیده‌اند که نتیجه عدم اجرای تعهد از طرف یکی از متعاقدين است (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ص ۴۱۴).

تفکیک شده است: الف) هنگامی که تعهدات مبادله شده سودمندی خود را به تدریج در اجرای متقابل قرارداد ایجاد کند، برای دوره‌ای که قرارداد به طور منظم اجرا شده است فسخ باعث استرداد نمی‌شود و در این فرض، فسخ اثر عطف به ماسبق شدن ندارد و اثرش فقط ناظر به آینده است، برای نمونه در قراردادهای مستمر مانند عقد اجاره که نسبت به آینده انحلال می‌یابد. برعکس زمانی که سودمندی تعهدات رد و بدل شده صرفاً در صورت اجرای کامل قرارداد محقق می‌شود، در صورت فسخ، طرفین باید تمام آنچه را به یکدیگر تسلیم داشته‌اند مسترد نمایند. در این فرض، فسخ عطف به ماسبق می‌شود. برای مثال فسخ قراردادهای آنی مانند بیع که اثر عطف به ماسبق دارد و عقد را از زمان انعقاد آن از بین می‌برد. از سوی دیگر، انتفای قرارداد را نباید ملازم با فورس ماژور دانست؛ هرچند برخی از انواع انتفای قرارداد مثل از بین رفتن موضوع معامله می‌تواند در نتیجه وقوع فورس ماژور حادث گردد، اما این امر همیشگی نیست و زوال عناصر اساسی قرارداد ممکن است هیچ ارتباطی به حادثه خارجی با شرایط فورس ماژور نداشته باشد، مثل عدم تحقق معلق علیه در شرط تعلیقی یا زوال ویژگی‌های مورد نظر در شخص متعهد در تعهدات قائم به شخص. همین وضعیت، میان انتفای قرارداد و «فراستریشن» برقرار است؛ تنها تفاوت این است که چون انحلال قرارداد در فراستریشن، شامل از بین رفتن هدف به وجود آورنده قرارداد نیز می‌شود، این امر باعث ملازمه بیشتر میان مصادیق فراستریشن و انتفای قرارداد است (این موضوع در بررسی مصادیق قاعده، ملاحظه خواهد شد) بی‌آنکه بتوان انتفای قرارداد را نتیجه فراستریشن در نظام‌های پذیرنده این نهاد تلقی کرد.

۲-۲. زوال یک عنصر اساسی

بند اول ماده ۱۱۸۶ ق. م. ف. انتفا را مقید به از بین رفتن یک «عنصر اساسی»^۱ از عقد می‌نماید، بدون اینکه آن را تعریف کند؛^۲ بنابراین این اصطلاح مبهم بوده و ایجاب می‌کند که روشن شود. عناصر اساسی کدامین عناصر هستند که بدون آنها عقد نمی‌تواند بقا داشته باشد؟ چنین ایجازی ممکن بود با عناصر تشکیل‌دهنده عقد که در طرح بازنگری ۲۵ فوریه

1. Élément essentiel

۲. ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی در ایجاب هم از اصطلاح «عنصر اساسی» استفاده کرده است.

۲۰۱۵^۱ به آن اشاره شده بود خلط کردند که طبق ماده ۱۱۲۸ عبارتند از: «توافق اراده‌ها، اهلیت طرفین و محتوای مشروع و معین در عقد». خوشبختانه، در متن نهایی ماده ۱۱۸۶، «عناصر تشکیل دهنده» حذف و به جای آن «عناصر اساسی» جایگزین شدند؛ بنابراین آنچه حتمی است اینکه اگر عناصری از عقد، برای تشکیل آن ضروری باشند، اما ضرورتی برای ادامه قرارداد نداشته باشند، از این گردونه خارج خواهند بود. در نتیجه بند ۱ و ۲ ماده ۱۱۲۸ که رضا و اهلیت طرفین را برای صحت عقد بیان می‌کند از دامنه شمول عناصر اساسی خارج هستند؛ چرا که بقا آنها تأثیری در سرنوشت عقد ندارد.^۲

معیاری دقیق برای بیان عناصر اساسی وجود ندارد. برخی عناصر اساسی را عناصری دانسته‌اند که بعد از انعقاد عقد، مستعد از بین رفتن هستند یا زوال یک عنصر از محتوای اقتصادی عقد و به‌ویژه سبب تعهد وقتی که سبب مذکور به‌طور مداوم مورد نیاز باشد.^۳ قبل از بازنگری ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ زوال موضوع و سبب به‌عنوان عناصر اساسی بیان شده بودند^۴ که در بازنگری ۲۰۱۶، بند ۳، محتوای^۵ عقد را جایگزین موضوع و سبب کرده است که می‌تواند معرف عناصر اساسی باشد. به اعتقاد برخی، عدم مشروعیت موضوع یا هدف قرارداد، از بین رفتن عوض^۶ در عقود معوض یا جهت یا داعی^۷ در عقود غیر معوض، انتفای عمل حقوقی را توجیه می‌کنند.^۸ موادی از قانون مدنی که نسبی هستند و امکان‌پذیری موضوع را مطرح می‌کنند (مواد ۱۱۶۳ الی ۱۱۶۷) و مشروع بودن هدف

3. Un contrat valablement formé devient caduc si l'un de ses éléments constitutifs disparaît (...).

۱. رضا در صورتی که قابل رجوع باشد و حدوث عدم اهلیت در عقد مستمر استثنائاً می‌تواند عناصر اساسی تلقی شوند.

3. Mignot Marc «Commentaire article par article de l'ordonnance du 10 février 2016 portant réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations», Les petites affiches, 22 mars, p. 7.

4. Wester-Ouisse Véronique, «La caducité en matière contractuelle: une notion à réinventer», La semaine juridique – édition général, 2001, n°4, p. 290.

5. Contenu

6. Contrepartie

7. Motif

8. Terré François, Simler Philippe, Lequette Yves et Chénédy François, Droit civil: Les obligations, 12e éd, (Daloz, 2018), P. 664.

قراردادی (ماده ۱۱۶۲) و منفعتی که یک متعاقد را به تعهد وارد نموده است از عناصر اساسی قلمداد می‌شوند.^۱

۳. مصادیق مهم انتفای قراردادی

با توجه به گستردگی حوزه انتفا در زمینه قراردادها، احصای همه فروض آن به آسانی میسر نیست، اما مهم‌ترین مصادیق آن عبارتند از: انتفای محتوا که می‌تواند شامل انتفای موضوع و سبب باشد، فوت و عدم اهلیت یکی از متعاقدین در صورتی که شخصیت، علت عمده در تشکیل عقد باشد و همچنین عدم تحقق معلق علیه در شرط تعلیقی.

۳-۱. از بین رفتن موضوع عقد

انتفا قرارداد ممکن است ناشی از زوال موضوع آن باشد؛ بنابراین عناصر اساسی که برای تشکیل عمل حقوقی ضروری هستند، گاه برای بقا و اجرای آن هم ضرورت دارند. هرگاه موضوع عقد یا تعهد، در پی وقوع رویدادی مستقل از اراده طرفین از بین برود و اجرای آن را غیرممکن سازد، قرارداد منتفی می‌شود. برخی از مقررات مربوط به زوال موضوع معامله را می‌توان در قانون مدنی و برخی دیگر را در خارج از آن جست‌وجو کرد. زوال موضوع معامله، خود شامل زوال مادی موضوع و زوال قانونی آن است.

۳-۱-۱. از بین رفتن مادی موضوع عقد

از بین رفتن موضوع عقد را می‌توان رایج‌ترین نوع انتفا دانست که ماده ۱۷۲۲ ق.م.ف. در عقد اجاره به آن اشاره می‌کند: اگر در مدت اجاره، موضوع اجاره به واسطه حادثه قهری کلاً از بین برود، عقد اجاره نسبت به آینده منحل می‌گردد.^۲ ماده ۴۸۳ قانون مدنی ایران نیز در عقد اجاره به همین مسئله می‌پردازد که اجرای قرارداد بستگی به بقای شیء معینی دارد که موضوع عقد بوده است. قانون مدنی سابق فرانسه در مواد ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ تلف موضوع تعهد را یکی از اقسام زوال عقد دانسته بود که بر طبق بند ۶ ماده ۱۲۳۴ قانون

1. Seube Jean-Baptiste, Art.1186 et 1187: Contrat. Caducité du contrat, 20 février 2017, n° 19.

2. Mousseron Jean- Marc, Mousseron Pierre, Raynard Jacques, Seube Jean-Baptiste, Technique contractuelle, 5e éd, 2017, Francis Lefebvre. p. 315.

اخیر از موارد سقوط تعهدات قلمداد می‌شود.^۱ در بازنگری ۲۰۱۶ تلف موضوع تعهد، در ماده ۱-۱۳۵۱ زیرمجموعه عدم امکان اجرا نهادینه شد که کم‌وبیش ادامه‌دهنده مقررات سابق است. ماده اخیر مقرر می‌دارد: «هرگاه عدم امکان اجرا، ناشی از تلف موضوع تعهد باشد، مستنکف از انجام تعهد در صورتی بری می‌شود که ثابت نماید حتی اگر تعهد اجرا شده بود باز هم تلف محقق می‌شد».^۲ برخی از حقوق‌دانان ایران نیز زوال موضوع را به عنوان تعدر اجرای مطلق و همیشگی فرض نموده‌اند که در نتیجه تحقق آن تعهد ساقط و قرارداد منحل می‌شود.^۳ مصداق این امر را می‌توان در ماده ۳۸۷ ق.م. یعنی تلف مبیع قبل از قبض، مشاهده کرد.

با این حال در حقوق ایران، نسبت به ضرورت انحلال قرارداد در صورت زوال موضوع عقد هم اتفاق نظری نیست؛ آنچه در این زمینه مقبول و مورد اتفاق نظر است، از بین رفتن عقد با از بین رفتن موضوع قرارداد در عقود با اجرای طولانی مدتی است که قرارداد بر مدار وجود موضوع معامله می‌چرخد، مانند اجاره شیء یا حیوان و یا قرارداد مزارعه و مساقات که بدون تصور وجود شیء یا حیوان و همچنین مزرعه و باغ قابل تصور نیستند (هرچند در این موارد نیز در خصوص باطل بودن یا منحل شدن قرارداد از حین زوال موضوع اختلاف نظر وجود دارد؛ کما اینکه در تعبیر به «بطلان قرارداد» در ماده ۳۸۱ ق.م. اختلاف نظر به وجود آمده است و برخی آن را صحیح و برخی دیگر حمل بر مسامحه قانون‌گذار کرده‌اند،^۴ اما در خصوص عقود تملیکی فوری، در این حد نیز اتفاق نظر شکل نگرفته است؛ اینکه ماده ۳۸۷ قانون مدنی مبنی بر قاعده تلف مبیع قبل از قبض، منحصر در بیع است یا ناشی از عدم قابلیت متمیم تملیک در تمامی عقود تملیکی است و بنابراین

۱. قانون‌گذار ایران در ماده ۲۶۴ ق.م. که اسباب سقوط تعهدات را برشمرده است نامی از تلف مورد موضوع تعهد نبرده است؛ بنابراین برخی از حقوق‌دانان ماده اخیر را ناقص دانسته‌اند و الحاق «تلف مورد تعهد» را به اسباب سقوط تعهدات پیشنهاد داده‌اند (شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، ج ۵، ۱۳۹۷، ص. ۱۹).

2. Lorsque l'impossibilité d'exécuter résulte de la perte de la chose due, le débiteur mis en demeure est néanmoins libéré s'il prouve que la perte se serait pareillement produite si l'obligation avait été exécutée.

۲. شهیدی، پیشین، ص ۲۲۱ - صفایی، پیشین، ص ۳۱۸.

۴. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۱، ص ۱۷۱ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشای قانون مدنی، ص. ۳۰۱.

می‌تواند بر تمامی عقود تملیکی مثل معاوضه و صلح معوض و... هم تعمیم یابد، اختلاف نظر وجود دارد.

خارج از مقررات قانون مدنی، قوانین دیگری نیز انتفای قرارداد در نتیجه تلف موضوع تعهد را مقرر کرده‌اند. ماده ۵۳ قانون اراضی ۱۲۵۳-۶۷، ۳۰ دسامبر ۱۶۹۷ فرانسه پیرامون این موضوع بیان می‌دارد: «اگر در مدت امتیاز بهره‌برداری، مال غیرمنقول بر اثر حادثه‌ای غیرمترقبه، کلاً از بین برود، امتیاز نیز زائل می‌شود». نمونه دیگری از انتفا، مربوط به تلف موضوع بیمه‌نامه است؛ ماده ۹-۱۲۱ مجموعه قوانین بیمه‌ای فرانسه تصریح می‌کند: «در صورت از بین رفتن موضوع بیمه، که ناشی از رویداد غیرقابل پیش‌بینی برای شرکت بیمه باشد، بیمه‌نامه به صورت قهری پایان می‌یابد». مقررات بیمه‌ای ایران در این خصوص ساکت است، اما معنی برای اعمال همین قاعده در مقررات بیمه‌ای وجود ندارد. در نتیجه مثال‌های ذکر شده که تعداد آن‌ها کم هم نیستند مشاهده می‌شود که قانون‌گذار در اغلب موارد، بقای موضوع عقد را جزء عناصر اساسی عقد تلقی و در نتیجه، از بین رفتن آن در خلال اجرای قرارداد را باعث انتفای عقد می‌داند.

۳-۱-۲. از بین رفتن قانونی موضوع عقد

پیش می‌آید که تحت برخی شرایط، بی‌آنکه موضوع تعهد یا عقد به‌طور مادی از بین رود، اجرای آن از نظر حقوقی ناممکن می‌گردد. به‌عنوان مثال، قراردادی برای واردات قطعات خودرو، بین یک شرکت خودروساز داخلی با یک شرکت قطعه‌ساز خارجی منعقد می‌گردد و بعد از انعقاد عقد، دولت به دلیل حمایت از صنعت داخلی واردات را ممنوع اعلام می‌کند. گاهی مقررات تجاری نیز از انتفای قرارداد الهام گرفته‌اند؛ بدین ترتیب ماده ۱۲ آیین‌نامه شماره ۶۶-۱۰۷۸ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۶ فرانسه، مربوط به کرایه کشتی، هرگونه اقدام دولت یا هر رویداد فورس‌ماژور که قبل از حرکت کشتی روی دهد و اجرای سفر را غیرممکن سازد، انتفا تلقی می‌کند. علاوه بر این ماده ۶۹ آیین‌نامه اخیر نیز همان راه‌حل را در چارچوب قرارداد حمل و نقل مسافر پذیرفته است.^۱ ماده ۱۳۱ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ ایران نیز مقررات مشابهی را بیان می‌کند؛ هرگاه کشتی به علت ممنوع بودن تجارت با بندر مقصد، نتواند حرکت کند، قرارداد مسافرت کان‌لم یکن می‌شود. ماده ۱۰۴

1. Garron Frédéric, La caducité du contrat (étude de droit privé), thèse. Aix-Marseille III, 2000, P. 117.

قانون اخیر^۱ ممنوع بودن تجارت با کشور مقصد کالا را از موارد فسخ تلقی می‌کند. ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در این ماده، نه تنها با ضمانت اجرای ماده ۱۳۱ آن قانون که «کان لم یکن» بودن را مقرر کرده، در تعارض است، بلکه حکایت از عدم وجود تدبیری مناسب برای موقعیت‌های مورد بحث دارد؛ اصولاً کان لم یکن بودن قرارداد، بیش از هر نهاد دیگری با بطلان قرارداد انطباق دارد، در حالی که از میان رفتن ظرفیت قانونی اجرای عقد پس از انعقاد آن نباید باعث بطلان قرارداد صحیح منعقد شده، همان‌طور که پیش‌بینی فسخ برای چنین موردی، با فلسفه وجودی فسخ و مصادیق آن در قوانین موجود انطباق ندارد؛ بنابراین آنچه منطقی است در این موارد اعمال گردد، انتفای قرارداد است که آثار و نتایج پیش و پس از انتفای قرارداد را هم به خوبی توجیه کرده و انتظام می‌بخشد.

۳-۲. زوال سبب عقد

بند ۴ ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی سابق فرانسه، سبب مشروع را یکی از شرایط اساسی برای صحت تشکیل عقد بیان کرده بود، ولی در بازنگری ۲۰۱۶، در بند ۳ ماده ۱۱۲۸ واژه «سبب» حذف و به جای آن «محتوا» گنجانده شد. بند ۳ ماده اخیر صحبت از محتوای مشروع و معین^۲ کرده است. بدین ترتیب این پرسش مطرح است که آیا سبب همچنان یکی از عناصر اساسی عقد تلقی می‌گردد که از بین رفتن آن، انتفای عقد را به دنبال داشته باشد؟ واژه‌نامه حقوقی گرنو در توصیف واژه «محتوا»، بیان می‌دارد: «محتوا در زمینه قراردادی، ماهیت عقد را تعیین می‌کند که به طور مرسوم، شامل موضوع و سبب عقد می‌گردد.^۳ برخی حقوق دانان هم قبل از بازنگری سال ۲۰۱۶^۴ مفهوم محتوا را شامل موضوع و سبب دانسته

۲. ماده ۱۰۴ قانون دریایی کشورمان که مقتبس از ماده ۱۲ آیین‌نامه قراردادهای کرایه کشتی و حمل و نقل دریایی، مصوب ۱۹۶۶ فرانسه است، مقرر می‌دارد:

Le contrat est résolu sans dommages-intérêts de part ni d'autre si, avant le départ du navire, survient une interdiction de commercer avec le pays pour lequel il est destiné ou tout autre événement de force majeure qui rend impossible l'exécution du voyage.

2. Contenu licite et certain

3. Cornu Gérard, Vocabulaire juridique, 13e éd, 2020, P.U.F., p. 225.

۴. بعد از بازنگری ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ نیز برخی از حقوق دانان، واژه محتوا را جانشین موضوع و سبب تلقی کرده‌اند که محتوا اشاره به موضوع تعهد، هدف و شروط و تعهدات قراردادی، می‌کند.

Mekki Mustapha, Contrats et obligations : Contrats et obligations. – Réforme du droit des obligations. – Validité du contrat, JurisClasseur Notarial Formulaire, 20 Novembre 2017.n°10

بودند.^۱ همچنین گفته شده است که محتوا علاوه بر اینکه دربرگیرنده موضوع و سبب است، دامنه شمول آن می تواند خیلی موسع باشد و تعهدات صریح و ضمنی متعاقبین را هم شامل گردد.^۲ علی رغم اینکه سبب به عنوان یکی از شروط اساسی در صحت قرارداد حذف گردیده است، ولی کارکرد آن را می توان در بسیاری از مواد ق. م. ایران مشاهده کرد، از جمله از ماده ۱۱۶۹ ق. م. که عقد معوض را چنانچه در زمان انعقاد، عوض مورد توافق بی فایده یا ناچیز باشد باطل می داند.^۳ مقررات اخیر، از وجود عوض^۴ در زمان انعقاد عقد صحبت کرده و راجع به مرحله اجرای عقد سکوت اختیار کرده اند. برخی از نویسندگان در این خصوص گفته اند که در مجموع، ماده ۱۱۸۶ که انتفای عقد را پیش بینی کرده است چیزی نیست جز توجیه اجرای تئوری سبب برای مرحله اجرای عقد.^۵ بعضی دیگر معتقدند که دامنه اعمال بند ۱ ماده ۱۱۸۶ باید محدود گردد و مانند قبل از بازنگری، انتفا به خاطر از بین رفتن «سبب» تبدیل به «عوض» گردد.^۶ رویه قضایی فرانسه در دو سده اخیر، گام های مهم و تأثیر گذاری را پیرامون نقش سبب در انتفای عقد بر داشته است تا جایی که دیوان عالی^۷ در یک رأی تاریخی اعلام نموده: «در عقود دو تعهدی، تعهد یکی از طرفین سبب تعهد دیگری است؛ به نحوی که اگر یکی از طرفین تعهد خویش را ایفا نکند، صرف نظر از علت آن، تعهد دیگری بدون سبب می شود».^۸ حقوق دانان ما بی آنکه

1. Bénabent Alain, Droit des obligations, 14e éd. 2014, L.G.D.J., p. 140s.

۲. ماده ۱۰۱:۶ طرح چارچوب مرجع، اصول مشترک قراردادی مقرر می دارد: «محتوای عقد متشکل از تعهدات صریح یا ضمنی است. از جمله عناصر محتوا ایفای تعهد، مواعد اجرا و ثمن می باشد».

3. Un contrat à titre onéreux est nul lorsque, au moment de sa formation, la contrepartie convenue au profit de celui qui s'engage est illusoire ou dérisoire.

در فرهنگ واژگان حقوقی کلمه illusoire به آن چیزی که بی اثر، چیزی که تحقق نمی یابد و واژه dérisoire به معنی خیلی شکننده؛ خیلی ناچیز برای اینکه واقعی باشد؛ عدم کافی و از نظر حقوقی ناکافی آمده است. برای مثال ثمن بخش است نسبتاً در برابر ارزش مبیع که شباهت دارد به فقدان ثمن سبب بطلان بیع. (Cornu, 2020, p 335)

۴. بنابراین مقررات ماده ۱۱۶۹ شامل عقود غیر معوض، ادنی و عقود نمی شود.

5. Deshayes Olivier, Genicon Thomas et Laithier Yves- Marie, Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations, Dalloz, 2018. P. 352.

6. Terré François, Simler Philippe, Lequette Yves et Chénéde François, Droit civil : Les obligations, 12e éd, 2018, Dalloz. P. 664.

7. Civ. 14 avril, 1891.

8. dans un contrat synallagmatique, l'obligation de l'une des parties a pour cause l'obligation de l'autre et réciproquement, en sorte que, si l'obligation de l'une n'est pas remplie, quel qu'en soit le motif, l'obligation de l'autre devient sans cause.

مبنای آن را به دقت مورد بررسی قرار دهند، به وفور در آثار خویش به این مطلب مهم استناد کرده‌اند.^۱ در حقوق فرانسه این موضوع توسط پانیول در تحلیل نظریات دوما^۲ برجسته شد.^۳ بر اساس این تحلیل، در عقود معوض هر یک از متعاقدین فقط در صورتی متعهد می‌شود که در عوض چیزی که پرداخت می‌کند، چیزی دریافت کند؛ بنابراین سبب تعهد فقط در راستای این عوض می‌باشد یا به شیوه خیلی واقع‌بینانه‌تر، سبب هر تعهد، اجرای تعهد توسط طرف دیگر است.^۴ از این رو رویه قضایی فرانسه در چندین مورد پذیرفت که سبب به عنوان یک عنصر اساسی در وابستگی تعهدات قلمداد می‌شود که زوال آن، باعث انتفای عقد می‌گردد. تصمیمات رویه قضایی، پیرامون این موضوع بسیار گسترده و متنوع است.^۵ برای نمونه در یک مورد، زوج متعهد شده بود، به زوجه سابق خویش که فرزند مشترکشان پیش از زندگی می‌کرد، ماهانه مبلغی پرداخت نماید. در ادامه، پدر مسئولیت فرزند را به عهده گرفت و فرزند برای ادامه زندگی نزد او آمد. پدر پرداخت مبلغ مورد تعهد را متوقف کرد و زوجه سابق دادخواست مطالبه تقدیم کرد. دادگاه تجدیدنظر با این استدلال که آنچه از قصد مشترک طرفین احراز می‌شود این است که تعهد به صورت مستمر و به عنوان هزینه نگهداری طفل بوده و زوال «سبب» انتفای تعهد را در پی دارد، رأی بر بی‌حقی زن داد. از رأی صادره توسط زوجه فرجام‌خواهی به عمل آمد و در نهایت دیوان عالی رأی دادگاه تجدید نظر را ابرام کرد.

نکته حائز اهمیت تر در باب زوال سبب، حرکت رویه قضایی و دکترین به سمت پذیرش انتفای قرارداد در صورت مخدوش شدن هدف یا داعی طرفین^۶ از انعقاد آن در خلال اجرای عقد است؛ لذا برخی حقوق دانان به صراحت، زوال مبنای قرارداد در حقوق آلمان را که در بند ۱ ماده ۳۱۳ قانون مدنی آن کشور آمده (و ثمره بحث‌های دکترینی درباره نظریه پیش فرض است) و همچنین عقیم شدن قرارداد در حقوق انگلیس را (بهترین

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، ص ۲۶۹ - صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۲، ص ۱۴۹

- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ص ۲۵۸.

2. Doma

3. Planiol Marcel, Traité élémentaire de droit civil, T.II, 6e éd, 1912, L.G.D.J. p. 343.

4. Carbonnier Jean, Les obligations, 22e éd., 2000, Thémis, P.U.F., p.127.

5. Cass.1er civ, 30 oct. 2008, n°07-17.646, Bull.civ.I,n° 241.

6. La disparition de la cause de cet engagement, partant sa caducité.

7. mobile/motif

نمونه آن را در پرونده‌های مربوط به تاج گذاری می توان دید) همانند آنچه در باب انتفای هدف در ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی جدید آرژانتین آمده، معادل بند اول ماده ۱۱۸۶ فرانسه دانسته و در این راه از روح حاکم بر بند دوم این ماده در ارتباط بین قراردادهای مرتبط نیز کمک گرفته‌اند.^۱

اینکه اصلاحات قانون مدنی فرانسه، راه را برای منتفی شدن قرارداد در صورت زوال هدف قرارداد باز کرده و رویه قضایی نیز از این ظرفیت برای پر کردن خلأیی که در این زمینه در حقوق آن کشور وجود داشته بهره می برد، تحوّل بسیار قابل ملاحظه‌ای است. در حقوق انگلستان و به تبع آن در نظام حقوقی کامن‌لا، پس از شکل گیری «نهاد فراستریشن» که بر اساس آن، قراردادهایی که در حین اجرا با عدم امکان اجرای فیزیکی مواجه می شدند منفسخ قلمداد می گردیدند، اندک اندک شاخه دیگری از همین نهاد حقوقی نیز شکل گرفت که عدم امکان تحقق هدف را نیز مشمول همان ضمانت اجرا قلمداد می کرد که هم‌اینک برای تفکیک از نهاد اولیه، با عنوان «فراستریشن حکمی» از آن یاد می شود.^۲ حال پس از سالیان طولانی از تأسیس این نهاد دوم، نه تنها در حقوق انگلستان، بلکه در اکثر نظام‌های حقوقی تابع نظام حقوقی کامن‌لا، تردیدی در انفساخ قرارداد (و البته استثناء فسخ یا تعدیل قرارداد) در نتیجه انتفای هدف مشترک قراردادی وجود ندارد.^۳

با این حال این موضوع در حقوق فرانسه و ایران، نه تنها از پشتوانه قانونی برخوردار نبود، بلکه موضوع در هر دو کشور، هم از دیدگاه دادگاه‌ها و هم حقوق دانان مورد اختلاف نظر بود. حال با تصویب مقرره مورد بحث و اقبال دادگاه‌های فرانسه از شمولیت ناممکن شدن هدف قرارداد با این نهاد جدید و نتیجه حقوقی آن (انتفای قرارداد)، عملاً تشتت حاکم بر نظام قضایی فرانسه در زمینه مورد بحث، به وحدت و فرجامی مقبول می انجامد، اما نظام حقوقی ایران، در وضعیت فعلی، نه تنها قانونی با هدف چاره‌اندیشی به حال قراردادهایی که تحقق اهدافشان برای ذی نفع ناممکن شده، وجود ندارد، بلکه اندک توجهات برخی

1. Deshayes Olivier, Genicon Thomas et Laithier Yves- Marie, Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations, Dalloz, 2018. P. 352.

۲. بیگدلی، سعید، *تعدیل قرارداد*، چاپ چهارم (محل نشر: ناشر، سال)، ص ۸۰ به بعد - پارساپور، محمدباقر؛ ذاکری‌نیا، حانیه، «اقسام، احکام و آثار معاذیر عدم اجرای قرارداد»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی (سال)، ص ۳۰.

۳. نیکبخت، حمیدرضا «آثار قوه قاهره و انتفا قرارداد»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ص ۱۰۴.

حقوق دانان برای گشودن بن بست موجود نیز عملاً راه به جایی نبرده است. حتی در اندیشه حقوق دانان موافق، اتفاق نظری در زمینه ضمانت اجرای اختلال مورد بحث وجود ندارد؛ علت امر، مبنای توجیه گر ضمانت اجراست: برخی از حقوق دانان، با توجه به فقدان مقررهای عمومی در این باب، با توسل به موادی همچون ماده ۳۸۱ ق.م. به چاره جویی پرداخته‌اند.^۱ به اعتقاد ایشان، علت انفساخ اجاره در صورت ورود عیب به عین مستأجره، عدم تحقق هدف مستأجر در قابلیت انتفاع کامل از عین مورد اجاره است؛ بنابراین وقتی به علت حادثه یا امری خارجی، تحقق هدف عقد ناممکن شود (هرچند اجرای فیزیکی آن کاملاً مقدور باشد) نیز می‌توان از همین منطق بهره برد و به یاری قیاس، به کمک متعهدی شتافت که انجام قرارداد، او را به نتیجه‌ای نمی‌رساند. طبیعی است که در صورت پذیرش این استدلال، نتیجه ناممکن شدن تحقق هدف نیز انحلال قهری قرارداد خواهد بود. این در حالی است که برخی نویسندگان، شرط ضمنی یا مبنایی قرارداد را دلیل چاره جویی خود معرفی کرده‌اند.^۲ طبیعی است که در این صورت، بی‌آنکه عقد خودبه‌خود زائل گردد، تنها ذی‌نفع می‌تواند با فسخ قرارداد، شانه از زیر بار تعهداتی که فقط برای او ضرر به بار می‌آورد خالی کند.

نهایتاً دادگاه‌ها نیز علی‌رغم حسّ بی‌عدالتی در مصادیق مرتبط، بالاجبار دست‌روی‌دست گذاشته‌اند و جرئت رأی بر تخطی از مفاد قراردادی که قابلیت اجرای فیزیکی دارد، ندارند.

آنچه در اصلاحات قانون مدنی فرانسه روی داده و پیش‌تر در نظام کامن‌لا، کارایی خود را به اثبات رسانده، توصیه‌ای برای استفاده در نظام حقوقی ایران است.

۳-۳. از بین رفتن شخص یا وصف شخصی در قراردادهای قائم به شخص

در حالت کلی، عقدی که به صورت معتبر منعقد شده، فوت و عدم اهلیت یکی از طرفین تأثیری در نفوذ حقوقی آن ندارد، مگر وجود شخصیت یک طرف در تعهدات قائم به شخص.^۳ کرنو در تشریح اصطلاح اخیر مقرر می‌دارد: «قائم به شخص بودن، مجموعه

۱. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد یک (مجله نشر: ناشر، سال)، ص ۱۷۲.

۲. غفاری فارسانی، بهنام «منتفی شدن جهت معامله و اثر آن بر روابط قراردادی مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا».

فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۹۹۴، ص ۲۳۶.

وضعیتی را توصیف می‌کند که در آنها شخصیت یکی از طرفین، به دلیل توانایی‌ها و قابلیت‌های خاص، اساسی قلمداد می‌شود؛^۱ بنابراین، برای انتفای تعهدی که وابسته به شخصیت یکی از طرفین است، باید که آن وصف در قلمروی قراردادی وارد شده و حاکی از عنصر تعیین‌کننده از موضوع تعهد در اراده طرفین باشد.^۲ از این رو، انتفا در تعهدات و قراردادهای قائم به شخص، هم شامل زوال فیزیکی و قضایی و هم زوال توانایی‌ها و شایستگی‌های مدنظر در قرارداد می‌گردد.

۳-۱-۳. از بین رفتن فیزیکی و قضایی

منظور از این مورد فرضی است که شخصیت متعهد در انجام تعهد مؤثر باشد و مقید به مباشرت او گردد و وفای به عهد از جانب دیگران ممکن نیست^۳ و انجام تعهد فقط به وسیله شخص مورد نظر امکان‌پذیر است؛^۴ بنابراین در برخی از قراردادها از قبیل: وکالت^۵، داوری یا مقاطعه‌کاری^۶ که انجام تعهد مقید به شخصیت فرد است، اصولاً فوت یا عجز او از انجام عمل، انتفای قرارداد را در پی دارد. علاوه بر اینکه از مقررات قانون مدنی چنین برداشتی قابل استنباط است، رویه قضایی فرانسه نیز طی سالیان متمادی از واژه «انتفا» برای بیان زوال

1. Cornu Gérard, Vocabulaire juridique, 13e éd, 2020, P.U.F., p. 573.

2. Contamine-Raynaud Monique, L'intuitus personae dans les contrats, 1974, Thèse Paris II., p. 33

۳. ماده ۲۶۸ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «انجام فعلی در صورتی که مباشرت شخص متعهد شرط شده باشد، به وسیله دیگری ممکن نیست (...).»

۴. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی، چاپ هفتم (محل نشر: ناشر، ۱۳۷۹)، ص ۲۱۹.

۵. در برخی از مقررات ق.م.ف. از جمله: مواد ۲۰۰۳ مقرر می‌دارد که «وکالت با فوت موکل یا وکیل مرتفع می‌شود؛ ماده ۶۸۷ ق.م.ا. بیان می‌دارد وکالت از طرق ذیل مرتفع می‌شود: با عزل موکل، با استعفای وکیل به موت و جنون وکیل و موکل. با مذاقه به مقررات قانون مدنی فرانسه می‌توان استنباط نمود که منظور قانون‌گذار ما از واژه «مرتفع می‌شود» معادل واژه «انتفا» می‌باشد. این مسئله را از بند دوم ماده ۱۸۷۹ ق.م.ف. نیز که راجع به عاریه می‌باشد، می‌توان استنباط کرد که مقرر می‌دارد: چنانچه عاریه فقط با در نظر گرفتن شخص مستعیر بوده باشد وراثت او نمی‌تواند، انتفاع از موضوع عاریه را ادامه دهند. ماده ۶۳۸ ق.م.ا. نیز فوت هر یک از طرفین را از موجبات انفساخ عاریه تلقی نموده است.

۶. Contrat de louage d'ouvrage

به موجب ماده ۱۷۹۵ ق.م.ف. قرارداد مقاطعه‌کاری به خاطر فوت معمار پیمانکار یا صنعتگر منحل می‌گردد. بدین ترتیب، ماده اخیر را نیز می‌توان از موارد انتفا تلقی نمود که ویژگی قائم به شخص بودن را بیان می‌کند.

وکالت^۱ و داوری^۲ استفاده کرده است. در حقوق ایران نیز گاه به این مسئله توجه شده است، مثلاً در برخی آراء، در صورتی که توافق طرفین بر داوری شخص یا اشخاص خاصی بوده باشد و آن شخص فوت کند، محجور شود و یا استعفا دهد داوری منتفی دانسته شده است.^۳ با این همه، نظریه عمومی و روشنی در این زمینه وجود ندارد که ضرورتاً قراردادهایی به دلیل قائم به شخص بودن، با زوال شخص از بین بروند یا مهم تر از آن، در قراردادی عادی، به علت ابتدای قرارداد بر شخصیت متعهد از دیدگاه طرفین، زوال شخص متعهد یا عجز او از انجام تعهد باعث انتفای قرارداد گردد.

این سؤال قابل طرح است که آیا تعهدهای قائم به شخص را می توان حصری و مقید به برخی از تعهدات و قراردادهای دانست؟ پاسخ این پرسش منفی است و شمول تعهدهای وابسته به شخصیت یکی از دو طرف را نمی توان محصور کرد^۴ و تنظیم یک لیست جامع غیرممکن است. از این رو در صورت بروز اختلاف، دادرسی می تواند با تجزیه و تحلیل شروط قرارداد، ساختار عمومی آن، اوضاع و احوال انعقاد عقد و دیگر عناصر تصمیم بگیرد.^۵

۱. شعبه اول دیوان عالی فرانسه در رأی شماره ۱۲۴ مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۶۸ در این خصوص بیان می دارد: «وکالت اعطاشده توسط متوفی... با فوت منتفی می شود»؛ بنابراین این رأی به درستی به واژه «انتفا» اشاره می کند (Garron, 2000, p.154).

۲. همین طور شعبه دوم دیوان عالی فرانسه در رأی مورخ ۲۳ می ۱۹۷۳، به صراحت به «انتفا» شرط داور تصدیق نموده است و برای توجیه رأی اشاره می کند که طرفین به دواوری متوسل شده بودند «با در نظر گرفتن شخص» داور و در پی فوت او «شرط، که اجرای آن غیر ممکن بود، منتفی می شود».

۳. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۳، چاپ ۲ (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۴)، ص ۵۴۹.
برای مطالعه بیشتر رجوع شود: قنبری جهرمی، عبداللهی، «قائم به شخص بودن داوری و استفاده از دستیاران حقوقی در داوری های بین المللی»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۶۲، ۱۳۹۹، صص ۹۱-۱۲۰ - رضایی، امیری، «انتقال موافقت نامه داوری»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم شماره ۳ (۱۳۹۶)، صص ۹۷-۱۲۷.

۴. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، ص ۵۴۱.

5. Pelletier Caroline, La caducité des actes juridiques en droit privé français, 2004, thèse Paris XII., p. 56.

۳-۲-۳. از بین رفتن ویژگی‌های خاص شخصی در تعهدات قائم به شخص توانایی‌ها و قابلیت‌های فردی یک شخص می‌تواند در اراده دیگری برای انعقاد قرارداد مؤثر و تعیین‌کننده باشد و در نتیجه از بین رفتن این توانایی‌ها (عقد با توجه به آنها منعقد شده است)، ممکن است انتفای عقد را در پی داشته باشد. تنها شرط این است که آن عنصر، تعیین‌کننده و محرک باشد و قرارداد بر مبنای آن ویژگی‌ها و توانایی‌ها واقع شده باشد. بدین ترتیب تشخیص اینکه توانایی و قابلیت خاص یکی از طرفین در دامنه قراردادی وارد شده است یا نه به راحتی میسر نیست و در صورت اختلاف، بر دادرس است که این مسئله را تمیز دهد که آیا قرارداد با در نظر گرفتن شخص و توجه به قابلیت‌های او منعقد شده است یا نه. وقتی که زوال یک وصف در قائم به شخص بودن مطرح می‌شود، ممکن است که زوال وصف نوعی^۱ منظور باشد یا زوال صفت شخصی^۲؛ بنابراین آنچه امروز رویه قضایی فرانسه با آن روبه‌روست، تأثیر یا عدم تأثیر شخصیت یا ویژگی‌های شخصیتی اشخاص در قراردادها و تعهدات متأثر از شخصیت و ویژگی‌های شخصی متعاقدين نیست، بلکه معیار و نحوه ارزیابی این تأثیرگذاری است، اما در حقوق ایران، موضوع تأثیر شخصیت و ویژگی‌های طرفین عقد، جزء مبهم‌ترین مسائل تأثیرگذار در تشکیل صحیح قرارداد و بالاتر و پیچیده‌تر از آن، از بین رفتن اوصاف و ویژگی‌های شخصیت، در انحلال قرارداد است.

به‌عنوان مثال، در ماده ۲۰۰ قانون مدنی ایران که صریح‌ترین ضمانت‌اجرا در خصوص تباین تصور طرفین قرارداد با واقعیت موجود در خصوص خود متعاقدين را بیان کرده، نه تنها در مورد اشتباه در شخصیت طرفین قرارداد هیچ سخنی به میان نیاورده (تنها اشاره به اشتباه در شخص طرف معامله کرده است)، بلکه ضمانت‌اجرای آن را هم به دقت مشخص نکرده و با به کار بردن عنوان «اختلال در عقد»، زمینه را برای اختلاف در زمینه کیفیت اثرگذاری این اشکال فراهم آورده است؛ نتیجه اینکه، هم در مورد اثر اشتباه در شخص طرف معامله و هم امکان تأثیر شخصیت طرفین معامله و ویژگی‌ها و اوصاف شخصی‌شان بر تشکیل قرارداد، میان حقوق‌دانان، اختلاف نظر حاصل شده است؛ برخی از ایشان ضمانت‌اجرای اشتباه در شخص طرف قرارداد را (با فرض وجود شرایط دیگر)، بطلان

1. Qualité objective
2. Qualité subjective

قرارداد منعقد می‌دانند و برخی دیگر، قرارداد را غیر نافذ تلقی می‌کنند.^۱ همچنین در مورد امکان تأثیر گذاری اشتباه در اوصاف شخصی طرفین بر صحت قرارداد منعقد، اتفاق نظری نیست و حقوق دانانی که خواسته‌اند اختلال در قرارداد را به این مصادیق نیز تعمیم دهند، ناچار شده‌اند به قیاس روی آورده، از منطق حاکم بر ماده ۲۰۰ قانون مدنی برای تعمیم قلمروی آن بر اشتباه در اوصاف شخصی طرفین استفاده کنند.^۲ همین اختلاف نظرها باعث شده است هر جا ردّ پای اثر از شخص یا شخصیت در قرارداد به میان آید، اختلاف نظرها نیز بروز کند؛ همچنان که در تفسیر ماده ۷۶۲ ق.م. و چرایی بطلان صلحی که در طرف مصالحه‌اش اشتباه شده، اختلاف نظر به وجود آمده است؛ برخی آن را استثنایی و برخی موافق با اصل و به شرط اهمیت شخصیت در وقوع آن، مقید کرده‌اند.^۳

طبیعی است که در چنین وضعیتی، علاوه بر فقدان مقررۀ قانونی، نه تنها برای زوال اوصاف شخصی طرفین قرارداد در حین اجرای آن، هیچ نظریۀ عمومی وجود ندارد، بلکه در عمل نیز دادگاه‌ها رویۀ واحدی ندارند و به ندرت می‌توان رأیی یافت که دادگاهی با توجیه زوال وصف شخصی طرف قرارداد، حکم به انحلال آن دهد؛ بنابراین آنچه در حقوق ایران در این باب مطرح شده، مثال‌های جسته و گریخته‌ای است که با توجیهی غالباً ناظر به مثال، در صدد خنثی کردن اثر عقدی برآمده‌اند که در نتیجۀ زوال وصف متعاقد، از مدار خواست طرفین خارج شده است. به عنوان نمونه در یک مورد استاد جعفری لنگرودی، ضمن بیان مصداقی از این مورد، آن را با «وحدت مطلوب میان اصل تعهد و انجام توسط شخص خاص» توجیه کرده‌اند.^۴ بر اساس مثال بیان شده، اگر مقصود از سفارش شیرینی، تهیه آن توسط کارگر ماهر خاصی مدنظر مشتری بوده باشد، در صورت بیماری و عدم امکان تدارک شیرینی توسط او، عقد زائل است و البته ضمانت اجرای چنین عقدی را ایشان «بطلان عقد» دانسته‌اند. به نظر می‌رسد که مورد اخیر دقیقاً مصداقی از

۱. صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، ص ۹۷ و ۹۸.

۲. بیگدلی، سعید؛ مجتبی، حسینی الموسوی؛ تفسیر اصولی قانون مدنی (بر اساس آرا و اندیشه‌های بزرگان حقوق ایران)، ص ۱۸۰.

۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، ش. ۲۳۶.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، چاپ ۲ (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸)، ص ۷۳۱.

انتفای عقد باشد، چرا که در مرحله انعقاد آن هیچ گونه خللی به ارکان آن وارد نبوده و تنها در مرحله اجرا با مانع روبه‌رو می‌شود و این مانع، اصولاً به انتفای عقد می‌انجامد.

۳-۴. عدم حصول معلق‌علیه در شرط تعلیقی

یکی دیگر از موارد انتفای تعهد یا قرارداد، عدم حصول معلق‌علیه در شرط تعلیقی^۱ در مهلت مقرر پیش‌بینی شده است. زمانی که شرط عنصر تعیین‌کننده از رضاست و به تبع آن، قرارداد تابع شرط تعلیقی است، پیامدهای عدم تحقق شرط تعلیقی، مبهم به نظر می‌رسد. بند ۲ ماده ۱۳۰۴ بیان می‌کند که تحقق شرط «تعهد را منجز و مطلق می‌کند». برخی از حقوق‌دانان از بند اخیر انتقاد کرده و آن را ناشیانه تلقی نموده‌اند که بیان می‌کند تا زمانی که شرط محقق نشود تعهد مؤثر نیست و در نتیجه، نمی‌تواند اجرا شود. عدم حصول معلق‌علیه در مهلت مقرر یا معقول، با توجه به اوضاع و احوال، انتفای تعهد یا عقد را به دنبال دارد.^۲ بند آخر ماده ۶-۱۳۰۴ راجع به اثر عدم تحقق شرط، مقرر می‌دارد: «در فرض عدم تحقق شرط تعلیقی، تصور می‌شود که تعهد هرگز به وجود نیامده است.»^۳ دامنه اعمال بند اخیر محدود است و صرفاً مربوط به پیامد عدم تحقق شرط است، در حالی که در طرح‌های اصلاحی، این موضوع در ادامه تعریف انتفا، لحاظ شده بود^۴ و حتی پروژه بازنگری ۲۵ فوریه ۲۰۱۵ حقوق قراردادها^۵ در انتهای بند اول ماده ۱۱۸۶ بیان می‌داشت: «عقدی که به طور صحیح منعقد شده ... در صورت عدم تحقق یک عنصر خارجی که در اثربخشی عقد ضروری است، منتفی می‌شود.» این فرض که عدم تحقق شرط تعلیقی را بیان می‌کرد در نسخه نهایی، مصوبه قانونی ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ مدنظر قرار نگرفت، بی‌آنکه دلایل آن تشریح گردد،^۶ ولی دیوان عالی فرانسه در آرای گوناگون ضمانت‌اجرای «انتفا»

1. Défaillance de la condition suspensive

2. Larroumet Christian, Bros Sarah, Traité de droit civil, Les obligations : Le contrat, T.III. 9e éd, 2018, Economica, p.458.

3. En cas de défaillance de la condition suspensive, l'obligation est réputée n'avoir jamais existé.

۳. ماده ۱۱۳۱ طرح اصلاحی کاتالا و بند ۲ ماده ۸۹ طرح ترره پذیرفته بودند که در صورت زوال یک عنصر اساسی یا

عدم تحقق عنصر خارجی که تأثیر عقد منوط به وجود آنها است عقد مبتلا به انتفا است.

5. Dissaux Nicolas, Jamin Christophe, Projet de réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations, 2015, Dalloz, p. 87.

6. Chantepie Gaël, Latina Mathias, Le nouveau droit des obligations, commentaire théorique et pratique dans l'ordre du Code civil, 2e éd, 2018, Dalloz, p. 717.

را در صورت عدم تحقق شرط تعلیقی برگزیده است.^۱ بدین ترتیب در نظام حقوقی فرانسه، یکی از فروض انتفای تعهد یا قرارداد، عدم تحقق شرط تعلیقی در مهلت مقرر پیش‌بینی شده است.

در حقوق ایران نیز عقد معلق و آثار وابسته شدن قرارداد به وقوع معلق‌علیه و تأثیر وقوع و به‌ویژه عدم وقوع آن بر قرارداد مورد اختلاف نظر است؛ در حالی که بخشی از حقوق‌دانان عملاً تفسیری را برگزیده‌اند که حتی بدون وقوع معلق‌علیه عقد منجزاً واقع می‌شود و حتی آثار ذاتی یک قرارداد همچون ضرورت وفاداری و التزام به عقد و ضرورت حفظ و نگاهداشت حقوق احتمالی طرف قرارداد و امکان واگذاری حق مترزل ایجادشده به غیر و امثال ذلک را نتیجه چنین عقدی می‌شمارند که در صورت تحقق معلق‌علیه به تکامل می‌رسد و منشأ اثر نهایی قرارداد که عمدتاً یک تعهد یا تملیک اصلی است می‌رسد.^۲ برخی دیگر از نویسندگان حقوقی، تفسیری ارائه کرده‌اند که عملاً ایجاد قرارداد را جز به معنای مصدری آن، مستلزم تحقق معلق‌علیه می‌کند و تحقق ماهیت حقوقی عقد را به تحقق معلق‌علیه گره می‌زند، به گونه‌ای که اگر معلق‌علیه واقع نشود، عقد ابتر می‌ماند و اصلاً پا به عرصه وجود نمی‌گذارد. طبیعی است که چنین تفسیری با مفهوم انتفا در حقوق فرانسه انطباق ندارد و عملاً آثار منتفی شدن قرارداد را به‌بار نمی‌آورد و قاعدتاً باید با نهاد بطلان تطبیق داده شود. مرحوم دکتر شهیدی -از طرفداران این دیدگاه- ضمن تطبیق عقد معلق مقرر در قانون مدنی بر واجب معلق فقهی (مانند وجوب فریضه حج که تشریح گردیده ولی معلق بر استطاعت است) نتیجه گرفته است که باید پذیرفت در این شرایط نمی‌توان برای عقد و آثار آن، وجودی پیش از وقوع معلق‌علیه تصور کرد. استاد یادشده در این زمینه مرقوم داشته‌اند: «در صورت عدم حصول معلق‌علیه در مدت مقرر، ماهیت عقد معلق هرگز تحقق پیدا نمی‌کند و تبعاً آثار حقوقی آن نیز جریان نمی‌یابد. در این حالت، عقد را باید باطل دانست، اگرچه ایجاب و قبول یعنی عقد به معنی مصدری را به

1. Civ.3e , 16 juin 1999 Bull.civ.III, n° 142 ; civ.3e ,10 oct.2012,n° 11-15.473 ; civ.3e ,12 nov. 2015, n° 14-25.084; civ. 3e, 9 mars 2017, n° 15-26.182.

رأی اخیر (۹ مارس ۲۰۱۷) بیان می‌دارد که: «نظر به اینکه، زمانی که در وعده دو تعهدی بیع، برای تحقق شرط تعلیقی مهلت مقرر شده و شرط در مهلت مقرر محقق نشده است، وعده منتفی (caduque) می‌شود.

۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ش. ۳۲.

لحاظ اثر حقوقی آن ... باید صحیح تلقی کرد.^۱ به نظر می‌رسد بخشی از استدلال ایشان که مقرر می‌دارند عقد را باید «باطل» دانست قابل بحث است. طبیعی است که اگر معلق‌علیه واقع شود، عقد کامل خواهد شد، پس وجود داشته است، در حالی که باطل تلقی کردن عقد در صورت عدم تحقق معلق‌علیه، به معنی باطل دانستن آن در مقطع عقد تا زمان تعیین تکلیف معلق‌علیه است و این قابل تصور نیست که یک عقد هم‌زمان هم باطل و هم صحیح باشد. به نظر نگارنده، خلط مبحث از اثر عدم حصول معلق‌علیه در مهلت مقرر پیش‌بینی شده، نشأت گرفته است؛ واقعیت این است که تعهد به وجود آمده است و طرفین متعهد هستند تا مهلت مقرر وضعیت موجود را حفظ کنند تا موعد مقرر فرارسد. در موعد مقرر اگر معلق‌علیه حاصل شود تعهد منجز و مستقر می‌گردد و در صورت عدم حصول، تعهد «منتفی» می‌گردد و استعمال واژه «بطلان» در این خصوص خالی از ایراد نیست؛ لذا این نکته که تفسیر یکنواخت و صحیحی از وضعیت عقد معلق، به‌ویژه در صورت عدم تحقق معلق‌علیه ارائه شود، نه تنها حائز ارزش نظری، بلکه واجد آثار عملی است و به هر روی، به نظر می‌رسد یکی از فروض انتفا در حقوق ایران نیز عدم حصول معلق‌علیه طرف مهلت مقرر پیش‌بینی شده در شرط تعلیقی است، اما باید به این نکته مهم توجه داشت که علی‌رغم اینکه اثر عدم تحقق معلق‌علیه انتفای تعهد است، چندین تفاوت اساسی بین «انتفا» در سایر موارد و «شرط تعلیقی» وجود دارد.

الف) نخستین تفاوت بارز در منشأ آنهاست که باعث زوال عمل حقوقی می‌گردد. هرگاه رویداد مورد نظر یک حادثه اتفاقی و قطعی باشد، اما از اراده طرفین نشأت گرفته باشد هرچند که به صراحت هم بیان نشده باشد شرط تعلیقی قلمداد می‌شود. در حالی که در انتفای سبب، زوال عمل حقوقی کاملاً مستقل از اراده عامل عمل حقوقی است.^۲

ب) دیگر تفاوت بین آنها در این نکته است که عدم حصول معلق‌علیه در مدت مقرر اثر عطف به ماسبق شدن دارد و چنانچه قبلاً تعهد بین طرفین انجام شده باشد، باید آنچه رد و بدل شده مسترد گردد؛ در حالی که انتفا اثر قهقرایی ندارد و عقد نسبت به گذشته صحیح بوده و از زمان تحقق عمل که باعث زوال عقد می‌گردد نسبت به آینده منتفی می‌گردد.

۱. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، ص ۷۸.

2. Buffelan-Lanore Yvaine, Essai sur la notion de caducité des actes juridiques en droit civil, thèse Toulouse, 1963, L.G.D.J., p.149.

۴. اثر حقوقی انتفا

حسب بند یک ماده ۱۱۸۷ «انتفا به عقد خاتمه می‌دهد.»^۱ در ادامه بند ۲ مقرر می‌دارد: «انتفا می‌تواند وفق مقررات پیش‌بینی شده در مواد ۱۳۵۲ الی ۹-۱۳۵۲ منتهی به استرداد شود.» چنین ایجازی از اثر انتفا، انتقاد دکتربین را در پی داشته است؛ چرا که اصطلاح به عقد «خاتمه می‌دهد» دلالت بر هیچ‌گونه معنای فنی ندارد؛ این بیان به مفسرین اجازه می‌دهد معنای آن را مشخص کنند.^۲ از دیرباز در خصوص اثر حقوقی انتفا، مسئله مهم مورد بحث، ارادی یا غیرارادی^۳ بودن انتفا و عطف به ماسبق شدن یا نشدن آن بوده است.

۴-۱. غیرارادی بودن انتفا

از تعاریف و تحولات نیم قرن اخیر انتفا، غیرارادی بودن آن استنباط می‌شود.^۴ غیرارادی بودن انتفا اقتضا می‌کند که عمل حقوقی فارغ از هرگونه ابراز اراده طرفین یا ثالثی ساقط گردد.^۵ البته برخی غیرارادی بودن انتفا را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند؛ «از این جهت که هر عدم نفوذی به عمل حقوقی خلل وارد می‌کند، انتفا مداخله مؤثر قاضی را ایجاب می‌کند.»^۶ بعد از تثبیت انتفا در قانون مدنی فرانسه نیز اختلاف نظر کاملاً از بین نرفته است: از دیدگاه برخی، از ساختار مواد ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷ جنبه غیرارادی انتفا به ذهن خطور می‌کند که ممکن است توسط طرفین یا قاضی احراز شود^۷ و برخی دیگر، از مجموعه اصطلاحات^۸ انتخاب شده توسط تدوین‌کنندگان در ماده ۱۱۸۶ به این نتیجه رسیده‌اند که اگر عقد یکی از عناصر اساسی خود را از دست دهد «منتفی می‌شود»، یا چنانچه اجرای عقد غیرممکن

1. La caducité met fin au contrat.

2. Deshayes Olivier, Genicon Thomas et Laithier Yves- Marie, Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations, 2018, Dalloz, p. 408.

3. Automatique

4. Buffelan-Lanore Yvaine, Essai sur la notion de caducité des actes juridiques en droit civil, thèse Toulouse, 1963, L.G.D..J., p.161.

5. Pelletier Caroline, La caducité des actes juridiques en droit privé français, 2004, thèse Paris XII., n° 259.

6. Chaaban Rana, *La caducité des actes juridiques, étude de droit civil*, thèse Paris II, 2010, Alpha, n° 509 s.

7. Chantepie Gaël, Latina Mathias, *Le nouveau droit des obligations, commentaire théorique et pratique dans l'ordre du Code civil*, 2e éd, 2018, Dalloz, p. 444.

8. Terminologie

گردد «منتفی باشد» یا انتفا « فقط رخ می دهد».^۱ انتفا به صورت قهری روی می دهد^۲ و نیازی به تصمیم و اعلام آن از طرف قاضی نیست و غیرارادی است.^۳ طبعاً غیرارادی بودن انتفا که مورد استقبال اکثریت حقوق دانان فرانسه قرار گرفته، به لحاظ ثبوتی نقش قاضی را در انتفای قرارداد از بین می برد. با این حال طبیعی است که چنانچه انتفا محل مناقشه باشد، چاره‌ای جز مراجعه به دادگاه نیست و طبعاً در این حالت نیز رأی صادره اعلامی^۴ خواهد بود؛ بنابراین انتفای قرارداد، برخلاف فسخ قرارداد، نیازمند اعمال اراده طرفین قرارداد یا یکی از آنها نیست و همچون انفساخ در مباحث حقوق داخلی، با تحقق شرایط لازم، خودبه خود به انحلال قرارداد می انجامد (آنچنان که بر اساس ماده ۵۲۷ قانون مدنی خروج زمین از قابلیت انتفاع به علت فقدان آب یا علل دیگر، باعث انفساخ مزارعه معرفی شده است).

۲-۴. عطف به ماسبق نشدن اثر انتفا

دراینکه اثر انتفا عطف به ماسبق^۵ می شود یا نه، قانون مدنی فرانسه به صراحت تعیین تکلیف نکرده است. مدت زمان مدیدی دکترین تلاش می کرد اثبات کند که اثر انتفا عطف به ماسبق نمی شود،^۶ اما گرایشی نیز بر اثر عطف به ماسبقی انتفا وجود داشت،^۷ حتی پروژه‌های بازنگری قانون مدنی نیز بنا به مورد، نظر به عطف به ماسبق شدن اثر انتفا داشتند.

1. Seube Jean-Baptiste, Art.1186 et 1187: Contrat. Caducité du contrat, 20 février 2017, n° 77.

2. FORIERS Paul Alain, La caducité des obligations contractuelles par disparition d'un élément essentiel à leur formation. De la nature des choses à l'équité, de l'impossibilité au principe de l'exécution de bonne foi, thèse, 1198, Bruylant, Bruxelles, n° 53.

3. Bros Sarah, « Les contrats interdépendants dans l'ordonnance du 10 février 2016 », La semaine juridique – édition général, p. 975 ; Ghestin Jacques, Loiseau Grégoire, Serinet Yves- Marie, La formation du contrat, T.II., 2013, 4e éd., L.G.D.J., n° 2071.

. Déclaratif

5. Rétroactive

6. Buffelan-Lanore Yvaine, Essai sur la notion de caducité des actes juridiques en droit civil, thèse Toulouse, 1963, L.G.D.J., p.161 ; Pelletier Caroline, La caducité des actes juridiques en droit privé français, 2004, thèse Paris XII., p. 14 ; GARRON Frédéric, La caducité du contrat (étude de droit privé), thèse, 2000, Aix-Marseille III, n° 221 s.

7. Seube Jean-Baptiste, Art.1186 et 1187: Contrat. Caducité du contrat, 20 février 2017, n° 79 ; Terré François, Simler Philippe, Lequette Yves et Chénédy François, Droit civil : Les obligations, 12e éd, 2018, Dalloz. P. 170.

در همین راستا بند ۲ ماده ۱۱۳۱ طرح بازنگری کاتالا و بند آخر ماده ۸۹ پروژه ترره مقرر می‌کردند: «اثر انتفا برحسب مورد، گاه اثر عطف به ماسبق شدن دارد و گاه، فقط برای آینده است...». تصویب ماده ۱۱۸۷ که آثار انتفا را بیان می‌کند نیز مشکلات را برطرف نکرد. ماده اخیر نیز مبهم است و ابهام از اینجا ناشی می‌شود که بند اول ماده بیان می‌کند: «انتفا به عقد خاتمه می‌هد»، آنچه از آن استنتاج می‌گردد عطف به ماسبق شدن را از دامنه شمول خود خارج نموده است، ولی بند ۲ که استرداد را تجویز نموده است، می‌تواند دلالت بر عطف به ماسبق شدن داشته باشد. در این خصوص گزارش ارائه شده به رئیس جمهور مربوط به مصوبه قانونی مقرر می‌دارد: «با توجه به وضعیت‌های گوناگونی که در آنها انتفا مورد استفاده قرار می‌گیرد، آثار می‌توانند در عمل برحسب تاریخی که در آن عنصر اساسی از بین می‌رود یا برحسب نوع قرارداد متفاوت باشند. پس مصوبه قانونی پیش‌بینی می‌کند که انتفا به عقد خاتمه می‌دهد، اما در یک دغدغه خاطر عملی، مسئله عطف به ماسبق شدن را حل و فصل نمی‌کند؛ در برخی از فروض عطف به ماسبق شدن را نفی نمی‌کند زیرا انتفا می‌تواند به استرداد منتهی گردد، لذا این دادرس است که متناسب با اوضاع و احوال هر مورد خاص باید مناسب بودن عطف به ماسبق را ارزیابی کند».

بعضی برای حل موضوع چاره دیگری اندیشیده‌اند؛ بدین نحو که آثاری که برای شرط فاسخ^۱ در بند ۷ ماده ۱۳۰۴ آمده را برای انتفا پیشنهاد داده‌اند. آثار شرط فاسخ می‌تواند، مانند انتفا، متناسب با تاریخ حدوث رویداد و برحسب ماهیت عقد متفاوت باشد. به بیان دیگر، شرط فاسخ می‌تواند گاهی اثر عطف به ماسبق کامل، گاهی هم عطف به ماسبق جزئی، گاهی هم هیچ‌گونه اثر عطف به ماسبق شدن نداشته باشد.^۲ بند ۷ ماده اخیر پیوند وثیقی با بند ۳ ماده ۱۲۲۹ که مربوط به آثار فسخ به دلیل عدم اجرا ایجاد می‌کند، دارد که از این طریق خواسته‌اند اثر شرط فاسخ و فسخ را برای انتفا توجیه کنند.

قانون مدنی ایران نیز در خصوص اثر عطف به ماسبق شدن در مصادیق مشابه ساکت است، ولی به دلایل عقلی و با استمداد از دکترین در حقوق ایران و فرانسه، می‌توان به نتایجی دست یافت؛ نخست آثار عقدی را که به صورت معتبر منعقد شده و دارای اثر حقوقی کامل بوده و متعاقدین در انتفای آن قصوری مرتکب نشده‌اند و به صورت

1. Condition résolutoire

2. Deshayes Olivier, Genicon Thomas et Laithier Yves- Marie, Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations, 2018, Dalloz, p. 408.

غیرارادی از بین رفته است، نمی‌توان به گذشته سرایت داد و همان‌گونه که برخی از اساتید بیان نموده‌اند «اثر انحلال قرارداد در گذشته امری است خلاف ظاهر و استثنایی».^۱ دوم، در اغلب موارد، انتفا در عقود مستمر مثل اجاره اتفاق می‌افتد و هیچ دلیلی بر اثر عطف به ماسبق شدن عقد وجود ندارد و صرفاً اثر انتفا نسبت به آینده است. سوم، عطف به ماسبق شدن اثر انتفا از یک طرف، می‌تواند زمینه را برای آسیب رساندن به حقوق اشخاص ثالث فراهم سازد و از طرف دیگر، با اصل لزوم قراردادها هم ناسازگار به نظر می‌رسد. چهارم، بیشتر حقوق دانان طرفدار اثر قهری انتفا در فرانسه، استرداد پیش‌بینی شده در بند ۲ ماده ۱۱۸۷ را دستاویزی برای توجیه عطف به ماسبق شدن قرار داده‌اند، اما این مطلب نمی‌تواند صحیح باشد؛ چراکه هر عقدی دارای اثر حقوقی است و انتفا نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد و صرف اینکه قانون‌گذار استرداد را پیش‌بینی کرده است دلیلی بر عطف به ماسبق شدن نمی‌تواند تلقی گردد. همان‌گونه که برخی از حقوق دانان هم به این امر اشاره و بیان داشته‌اند: «از بند ۲ ماده ۱۱۸۷ نمی‌توان خصیصه عطف به ماسبق شدن انتفا را استنباط نمود. در عوض از برآیند این ماده می‌توان برای حمایت از عدم عطف به ماسبق شدن قرارداد استفاده کرد، زیرا عقد در حین اجرا «منتفی می‌شود»، یعنی قبل از آن منتفی نبوده است. به‌علاوه عدم پیش‌بینی موضوع نیز با عطف به ماسبق شدن انطباق ندارد».^۲ رویه قضایی هم آثار عطف به ماسبق نشدن را پذیرفته است و هیچ دلیلی وجود ندارد عقده که به صورت معتبر منعقد شده است آثارش به گذشته سرایت کند.^۳ با این حال رویه قضایی به طور استثنایی پذیرفته است که انتفا ممکن است در فروضی که در آن، به نحوی، آثار گذشته و آینده عقد تجزیه‌ناپذیر باشند، عطف به ماسبق گردد.^۴

نتیجه

در حقوق فرانسه پس از سالیان طولانی تلاش و ممارست رویه قضایی برای نهادینه‌سازی نهاد انتفای قرارداد و شفاف‌سازی حدود و ثغور آن و بحث‌های آکادمیک حقوق دانان آن

۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، ص ۳۴۸.

1. Chantepie Gaël, Latina Mathias, Le nouveau droit des obligations, commentaire théorique et pratique dans l'ordre du Code civil, 2e éd, 2018, Dalloz, n° 498.

2. Cass. (com). 2 juillet 1974, n° 73-11.530, Bull., IV, n°212 ; Cass. 3e civ. 24 mai 1989, n°87- 18.919, Bull., III, n° 119.

3. Houtcieff Dimitri, Droit des obligations, 5e éd., 2020, Bruylant Bruxelles, n° 596.

کشور در باب شرایط، قلمرو و آثار این نهاد، النهایه قانون‌گذار این کشور در اصلاحات مهم سال ۲۰۱۶ در دو ماده، عنوان جدید «انتفا» را به قانون مدنی این کشور افزود. در این دو ماده که بخشی از آن به انتفای قراردادهای مستقل و بخشی دیگر به انتفای قراردادهای مرتبط اختصاص یافته، قانون‌گذار تلاش کرده، ضمن به رسمیت شناختن انتفای قراردادهای مستقل، ضمانت‌اجرایی نوآورانه برای بی‌ثمر شدن اجرای قراردادهای مرتبط ارائه کند. نهاد جدید بر این نکته تأکید دارد که قرارداد، نه تنها در زمان تشکیل نیازمند ارکانی برای صحت انعقاد است، بلکه برای ادامه حیات نیز نیازمند عناصری است که در صورت فقدان آنها منتفی خواهد شد.

به نظر می‌رسد به رسمیت شناختن چنین نهادی در حقوق داخلی نیز ضروری است؛ هرچند برخی از آثار انتفا، بدون وجود نهادی مستقل در این زمینه در حقوق ایران نیز پذیرفته شده است یا قابل توجیه‌اند، با این حال بنا بر مطالب ارائه‌شده در مقاله و خلأهای موجود در زمینه مورد بحث، شناسایی چنین نهادی از چند جهت در حقوق ایران نیز لازم به نظر می‌رسد:

نخست اینکه در قواعد عمومی قراردادهای ایران، نظریه‌ای برای شرایط استدامه قرارداد نیست؛ نظریه‌ای که ضمن بیان عناصر اساسی لازم برای ادامه قرارداد، ضمانت‌اجرایی فقدان آنها و شرایط و آثار آن را به شفافیت بیان کند.

دوم، آنچه در نوشته‌های حقوق‌دانان به صورت جسته و گریخته آمده و برخی مصادیق انحلال قرارداد به علت فقدان برخی شرایط ادامه عقد را بیان کرده، ضمن آنکه فاقد نظریه‌ای کلی در این خصوص است و آثار آن را به دقت بیان نمی‌کند، از زاویه دید «تعهد» توجیه شده است و نه «قرارداد» و شرایط ذاتی ایجاد و ادامه آن؛ بنابراین نمی‌تواند در بردارنده تمامی شرایط، آثار و اهداف منظور از نهاد انتفا باشد.

سوم، فقدان نهاد یادشده و عدم شفافیت نهادهای مشابه موجود باعث شده است تا سوءتفاهم‌های بزرگی در حوزه‌های مرتبط با انتفا ایجاد شود. مثلاً در مباحث ارائه‌شده داخلی، عقد معلق که با عدم تحقق معلق‌علیه مواجه شده، باطل معرفی شده است، درحالی‌که بطلان و آثار آن، منطبق بر این مصداق نیست و این تلقی باعث اختلال در توجیه آثار طبیعی عقد معلق می‌شود، در حالی که به رسمیت شناخته شدن انتفا، باعث رفع تناقضات مشابه در مصادیق مشمول آن است.

چهارم، در نهاد فعلی انتفا در حقوق فرانسه، مصادیقی به رسمیت شناخته شده‌اند که علاوه بر قابلیت توجیه آنها بر اساس مبانی حقوقی حاکم بر حقوق ایران، شناسایی آنها نیاز دیرینه‌ای بوده که باعث گشوده شدن راه‌های جدیدی است که می‌تواند گره‌گشای بخشی از مشکلات عملی ما باشد. به عنوان مثال، گشوده شدن راه انتفای قرارداد به علت منتفی شدن انگیزه به وجود آورنده عقد (بی آنکه اجرای فیزیکی عقد با هیچ مشکلی مواجه باشد)، موضوعی است که به دلایل متعدد در حقوق ایران قابل توجیه و دفاع است، اما قانون‌گذار و رویه قضایی، از پاسخ صریح سلبی یا ایجابی راجع بدان شانه خالی کرده‌اند. همچنین است وابستگی عقد به بقای اوصاف شخص متعهد در گروهی از تعهدات قائم به شخص که زوال اوصاف یادشده، می‌تواند انتفای عقد را توجیه کند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Akbar Osanloo



<http://orcid.org/0000-0001-7203-1154>

منابع

الف) فارسی

- امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، جلد یک، چاپ ۳۷ (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵).
- انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، چاپ اول (تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱).
- بیگدلی، سعید، *تعديل قرارداد*، چاپ چهارم (تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴).
- بیگدلی، سعید؛ حسینی الموسوی، سید مجتبی، *تفسیر اصولی قانون مدنی*، چاپ اول (تهران: انتشارت مه‌رسا، ۱۳۹۵).
- پارساپور، محمدباقر؛ ذاکری‌نیا، حانیه، «اقسام، احکام و آثار معاذیر عدم اجرای قرارداد»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۹، شماره ۲ (۱۳۹۴)، صص ۵۰-۲۵.
- تقی‌پور، بهرام؛ عباسی سرمدی، مهدی؛ کریمی پناوندانی، مهدی؛ «وضعیت معاملات مستقل و مرتبط از زمان انعقاد عقد تا انحلال در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین»، *فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی*، دوره ۲۵، شماره ۹۰ (۱۳۹۹)، صص ۴۸-۱۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت*، چاپ دوم (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸).

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، چاپ پنجم (هران: گنج دانش، ۱۳۵).
شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ دوم (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۴).
شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، جلد یک، چاپ دوازده (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۵).
شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، جلد پنجم، چاپ دوازده (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۷).
صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ بیست و نهم (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷).
- غفاری فارسانی، بهنام، «منتفی شدن جهت معامله و اثر آن بر روابط قراردادی مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴، شماره ۱۰۱ (۱۳۸۹)، ص ۲۱۹-۲۳۸.
- کاتبی، حسینقلی، فرهنگ حقوق، چاپ یکم (تهران: گنج دانش، ۱۳۶۳).
کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد یک، چاپ سوم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴).
- کاتوزیان، ناصر، عمومی قراردادهای، جلد دو، چاپ چهارم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴).
کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد پنجم، چاپ دهم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵).
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی، چاپ هفتم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹).
- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، چاپ هشتم (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵).
کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد یکم، چاپ سیزده (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۹).
کاتوزیان، ناصر، وصیت در حقوق مدنی ایران، چاپ یکم (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۷).
نفیسی، سعید، فرهنگ فرانسه-فارسی، ج یک، چ نهم (تهران: مروی، ۱۳۸۴).
نیکبخت، حمیدرضا، «آثار قوه قاهره و انتفا قرارداد»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۵، شماره ۲۱ (۱۳۷۶)، صص ۹۵-۱۲۴.
- هراتی، مصطفی، «بررسی تطبیقی جایگاه «جهت» در حقوق قراردادهای ایران و حقوق نوین فرانسه»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، شماره ۱ (۱۳۹۹)، صص ۴۰۴-۳۸۱.

ب) فرانسه

- Aubry Marie –Christine, «Retour sur la caducité en matière contractuelle»,
Revue trimestrielle de droit civil, ??? (2012), p. 625.
Bénabent Alain, *Droit des obligations*, 14^e éd.??? (2014), L.G.D.J.

- Bros Sarah (2016), «Les contrats interdépendants dans l'ordonnance du 10 février 2016», *La semaine juridique – édition général*, p. 975.
- Buffelan-Lanore Yvaine, *Essai sur la notion de caducité des actes juridiques en droit civil*, thèse Toulouse ??? (1963), L.G.D.J.
- Chaaban Rana (2010), *La caducité des actes juridiques, étude de droit civil*, thèse Paris II, Alpha.
- Carbonnier Jean (2000), *Les obligations*, 22^e éd., Thémis, P.U.F.
- Chantepie Gaël, Latina Mathias (2018), *Le nouveau droit des obligations, commentaire théorique et pratique dans l'ordre du Code civil*, 2^e éd, Dalloz.
- Capitant Henri (1930), *Vocabulaire juridique*, fascicule I, Presse universitaire. Disponible sur :<https://www.bnf.fr>.
- Contamine-Raynaud Monique (1974), *Lintuitus personae dans les contrats*, Thèse Paris II.
- Cornu Gérard (2020), *Vocabulaire juridique*, 13^e éd, P.U.F.
- Deshayes Olivier, Genicon Thomas et Laithier Yves- Marie (2018), *Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations*, Dalloz.
- Dissaux Nicolas, Jamin Christophe (2015), *Projet de réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations*, Dalloz.
- Dissaux Nicolas, Jamin Christophe(2016), *Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations*, Commentaire des articles 1100 à 1386-1, Dalloz.
- FORIERS Paul Alain (1998), *La caducité des obligations contractuelles par disparition d'un élément essentiel à leur formation .De la nature des choses à l'équité, de l'impossibilité au principe de l'exécution de bonne foi*, thèse Bruylant, Bruxelles.
- Ghestin Jacques, Loiseau Grégoire, Serinet Yves- Marie(2013), *La formation du contrat*, T.II., 4^e éd., L.G.D.J.
- Houtcieff Dimitri (2020), *Droit des obligations*, 5^e éd., Bruylant Bruxelles
- GARRON Frédéric (2000), *La caducité du contrat (étude de droit privé)*, thèse .Aix-Marseille III.
- Larroumet Christian, Bros Sarah (2018), *Traité de droit civil, Les obligations : Le contrat*, T.III. 9^e éd, Economica.
- Mekki Mustapha (2017), Contrats et obligations - Fasc. 60 : Contrats et obligations. – Réforme du droit des obligations. – Validité du contrat, *JurisClasseur Notarial Formulaire*, 20 Novembre 2017.

- Mignot Marc(2016) « Commentaire article par article de l'ordonnance du 10 février 2016 portant réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations », *Les petites affiches*, 22 mars, p. 6.
- Mousseron Jean- Marc, Mousseron Pierre ,Raynard Jacques, Seube Jean-Baptiste (2017), *Technique contractuelle*, 5^e éd, Francis Lefebvre.
- Pelletier Caroline (2004), *La caducité des actes juridiques en droit privé français*, thèse Paris XII.
- Planiol Marcel, (1918), *Traité élémentaire de droit civil*, T.III, 7^e éd, L.G.D.J.
- Planiol Marcel, (1912), *Traité élémentaire de droit civil*, T.II, 6^e éd .L.G.D.J.
- Projet Catala (2005) : *Avant-projet de réforme du droit des obligations et de la prescription*, La Documentation française.
- Projet Terré (2009) : *pour une réforme du droit des contrats*, 1^{er} éd. Dalloz, Thèmes et commentaires.
- Seube Jean-Baptiste (2017), Art.1186 et 1187 – fasc.uniqu : Contrat. *Caducité du contrat*, 20 février 2017.
- _____ (2008), « Caducité et ensemble contractuel indivisible : timidité jurisprudentielle ou audace doctrinal? », *Le monde du droit*, Foyer J, Economica,, p.925.
- Terré François, Simler Philippe, Lequette Yves et Chénéde François (2018), *Droit civil : Les obligations*, 12^e éd, Dalloz.
- Wester-Ouisse Véronique (2001), « La caducité en matière contractuelle : une notion à réinventer », *La semaine juridique – édition général*, n°4, p. 290.

استناد به این مقاله: بیگدلی، سعید، اصانلو، اکبر. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی انتهای قرارداد در حقوق فرانسه و ایران.

پژوهش حقوق خصوصی، ۱۰(۳۸)، ۹-۴۴. doi: 10.22054/JPLR.2022.59754.2548



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.